

بررسی سازوکارهای برساخت مسائل محیط‌زیستی

مورد مطالعه: کارزار مردمی توقف تونل بهشت آباد

بهرنگ ضابطیان* ، مرضیه موسوی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۶

چکیده

امروزه به‌منظور رفع مشکل کم‌آبی در کشور از روش انتقال آب بین حوضه‌ای استفاده می‌شود. این شیوه نه تنها مشکلات کم‌آبی را در کشور رفع نکرده است بلکه مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی فراوانی را هم ایجاد کرده است. بطوری که در سال‌های اخیر شاهد افزایش مقاومت‌های محلی و شکل‌گیری جنبش‌های محیط‌زیستی در برابر طرح‌های انتقال آب در کشور هستیم. در این پژوهش به‌منظور بررسی سازوکارهای برساخت مسائل محیط‌زیستی به بررسی یکی از جنبش‌های محیط‌زیستی در اعتراض به طرح‌های انتقال آب یعنی کارزار مردمی توقف تونل بهشت آباد می‌پردازیم. چارچوب مفهومی پژوهش رویکرد برساخت‌گرایی است و روش پژوهش روش مطالعه موردی است. با بررسی داده‌های پژوهش سه مضمون اصلی برساخت عقلانی مسئله، برساخت روانی مسئله و برساخت عملی مسئله به دست آمد. در برساخت عقلانی مسئله چارچوب اقتصادی، چارچوب محیط‌زیستی، چارچوب قانونی، چارچوب بی‌عدالتی، بی‌اعتباری ادعاهای رقیب و تجربه زیسته مردم مؤثر بودند. در برساخت روانی مسئله ادعاسازان از تقابل‌های دوتایی، پیامدهای ناگوار و رهبری کاریزماتیک استفاده کردند و به‌منظور برساخت عملی مسئله فعالان جنبش از استراتژی جلب حمایت سیاست‌گذاران، غیرسیاسی کردن جنبش، فتح سنگر به سنگر و استفاده از رسانه‌های مختلف بهره بردند.

کلید واژه‌ها: برساخت‌گرایی، جنبش‌های محیط‌زیستی، ادعا سازی، سده‌سازی، انتقال آب، تونل بهشت آباد.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). b_zabetian@yahoo.con

moosavimar@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

بیان مسئله

امروزه شاهد بروز بحران‌های متعدد محیط‌زیستی در جهان هستیم. تغییرات اقلیمی، از بین رفتن لایه ازن، انقراض گونه‌های جانوری، کاهش تنوع زیستی، آلودگی و هدررفت منابع طبیعی از جمله مسائلی است که انسان‌ها در سراسر جهان این روزها با آن درگیر هستند. در پی شدت گرفتن بحران‌های محیط‌زیستی، زندگی انسان‌ها با چالش‌های جدی روبرو شده است. اگرچه در گذشته نسبتاً دور، پیامدهای محیط‌زیستی به‌ندرت زندگی روزمره افراد را با چالش مواجه می‌ساخت، اما در چند دهه گذشته بحران‌ها، زیست انسانی را با مشکلات گسترده و عمیقی روبرو ساخته است به‌طوری‌که، دیگر نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. ماهیت دوگانه محیط‌زیست که مسائل مربوط به آن هم دارای ابعاد جهانی و محلی هستند، موجب شد تا برنامه‌ریزی برای حل مسائل مربوط به آن در سطوح مختلف جهانی، ملی و محلی دنبال شود (بری، ۱۳۸۰: ۵۰).

بحران‌های محیط‌زیستی خصلتی جهانی دارند و تمام کشورهای جهان از جمله ایران را هم در برمی‌گیرند. بحران آب، آلودگی شهرهای بزرگ، آتش گرفتن جنگل‌ها، ریزگردها، سیل، سرازیر شدن شیرابه زباله‌ها به رودخانه‌ها، پساب فاضلاب‌های صنعتی، ریختن زباله‌ها در معابر عمومی و در طبیعت و پارک‌ها، مصرف بیش‌ازحد انرژی و ... مثال‌هایی از بحران‌های زیست‌محیطی در ایران هستند. در ایران سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی به‌عنوان مهم‌ترین بخش جنبش‌های محیط‌زیست، اولین حرکت خود را از سال ۱۳۴۹ با تشکل محیط‌زیستی مردم روستای اشکدر یزد برای مقابله با شن‌های روان آغاز کردند. انجمن حمایت از حیوانات نیز سازمان مردم‌نهاد محیط‌زیستی دیگری بود که چند سال قبل از انقلاب تأسیس شد و پس از انقلاب منحل گردید. از رویدادهای محیط‌زیستی مهم دیگر در قبل از انقلاب می‌توان به پیمان زیست‌محیطی رامسر در سال ۱۳۵۰ اشاره کرد. پیمان رامسر یا کنوانسیون تالاب‌ها یکی از موافقت‌نامه‌های مهم در خصوص مراقبت و محافظت از تالاب‌های جهان است (شکری، ۱۳۷۸: ۲۰۹).

پس از انقلاب به دلیل رویدادهای مهمی مانند جنگ، روند ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در ایران متوقف شد و این وضعیت تا دهه ۱۳۷۰ ادامه داشت. سازمان‌های محیط‌زیستی در ایران بعد از کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱ ش) شروع به فعالیت کردند. علاوه بر تأثیر کنفرانس ریو تغییرات ساختاری در نظام سیاسی ایران هم در گسترش آنها نقش مهمی داشتند. بطوریکه در دهه ۱۳۷۰ با روی کار آمدن دولت اصلاح طلب در ایران و اهمیت یافتن نقش مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد در اداره کشور، شاهد افزایش سازمان‌های مردمی در حوزه محیط‌زیست در این دوره هستیم. علی‌رغم گسترش این سازمان‌ها از دهه ۱۳۷۰، بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران معتقدند که در ایران هنوز جنبش محیط‌زیستی شکل نگرفته است و سازمان‌های مردم‌نهاد از کمیت و کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند (شکری، ۱۳۸۷؛ میرزاده، ۱۳۹۴؛ مرادحاصل و مزینی، ۱۳۷۸؛ شریعتی، ۱۳۹۶؛ افصلی، ۱۳۷۸؛ رزاقی و خاچکی، ۱۳۹۷؛ سعیدی، ۱۳۹۴). به عقیده آنها مسائل و مشکلات فراوان بر سر راه این سازمان‌ها مانع از مشارکت مردمی در سطح گسترده و فعالیت‌های جدی و مؤثر این سازمان‌ها شده است. مهم‌ترین این چالش‌ها و مشکلات از دیدگاه این افراد چالش‌های ساختاری و فرهنگی است.

در سطح ساختاری می‌توان به تمرکزگرایی دولتی و مداخلات دولت در سازمان‌های مردم‌نهاد و موانع و مشکلات امنیتی که این سازمان‌ها با آن مواجه‌اند اشاره کرد (بحرینی و امینی، ۱۳۷۹: ۳۰). به عقیده این افراد، علاوه بر اینکه این سازمان‌ها به لحاظ کمی نسبت به دهه ۱۳۷۰ کاهش یافته‌اند (غازی و ملایی، ۱۳۹۵: ۴۵)، سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران از نفوذ و قدرت لازم جهت اجبار دولت به حفظ و صیانت از محیط‌زیست برخوردار نیستند و فعالیت‌های آنها بیشتر در سطح برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها و کارهای آموزشی و تبلیغی است (مرادحاصل و مزینی، ۱۳۷۸: ۱۵). علاوه بر چالش‌های ساختاری، این دسته از صاحب‌نظران معتقدند که سمن‌های محیط‌زیستی با مشکل پایین بودن حساسیت و آگاهی افکار عمومی و مشارکت مردمی هم مواجه هستند. درواقع، فقدان فرهنگ حمایت از محیط‌زیست موجب شده است که مسائل مرتبط با محیط‌زیست به‌عنوان مسئله‌ای تجملی و

۲۲۰ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۴۰۰

فاقد اولویت در افکار عمومی تلقی شود (غازی و ملایی، ۱۳۹۵: ۱۳۷؛ اسدی و مهرابی، ۱۳۹۷) و این مسئله مانع از مشارکت مردمی گسترده در سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی می‌شود.

همان‌طور که گفته شد رویکرد غالب در میان پژوهشگران و متفکران ایرانی این است که به دلیل چالش‌ها و مشکلات فراوانی که سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی به‌عنوان مهم‌ترین اجزای جنبش‌های محیط‌زیستی در ایران با آن مواجه‌اند امروزه شاهد کندی و بی‌رمقی فعالیت‌های آنها در عرصه حفاظت از محیط‌زیست هستیم. بطوریکه، به دلیل عدم اقبال مشارکت مردمی و عدم حساسیت عمومی نسبت به مسائل محیط‌زیستی شاهد بی‌توجهی نهادهای دولتی به مسئله محیط‌زیست هستیم و فعالیت‌های اندک سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در کشور هم نهایتاً راه به جایی نخواهد برد. اینکه به‌طور کلی ما امروزه شاهد حضور فعال جنبش‌های محیط‌زیستی در کشور آنچنان که در سایر کشورهای جهان وجود دارد نیستیم. با این حال، در این پژوهش معتقدیم که برخلاف این رویکرد غالب، علی‌رغم تمام مسائل و چالش‌ها، در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری جنبش‌های محیط‌زیستی مهمی در کشور مخصوصاً در حوزه مسائل مرتبط با آب هستیم. جنبش‌هایی محیط‌زیستی که در جای‌جای کشور با مشارکت گسترده مردمی توانسته‌اند در برخی از موارد مانع از اجرا و در برخی دیگر از موارد موجب تعدیل طرح‌های فاجعه‌بار مخرب محیط‌زیست شوند. در این پژوهش در پی نشان دادن این موضوع هستیم که امروزه نوعی آگاهی محیط‌زیستی در میان مردم در حال شکل‌گیری است. مواجهه مستقیم مردم با پیامدهای پروژه‌های توسعه‌ای بدون مجوز محیط‌زیست از یک طرف و گسترش فعالیت‌های فعالین محیط‌زیست در رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی نقش مهمی در این بیداری و آگاهی محیط‌زیستی داشته است. در این پژوهش نشان خواهیم داد که جنبش‌های محیط‌زیستی فعال در حوزه آب در ایران به‌سوی انسجام و سازمان‌یافتگی بیشتر در حرکت‌اند و سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی فعال در این جنبش‌ها به شکلی حرفه‌ای با توجه به ویژگی‌های اجتماع محلی و ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه ایران به بر ساخت

مسائل محیط‌زیستی مبادرت می‌ورزند. هرچند که این جنبش‌ها در ایران در ابتدای راه هستند و با استانداردهای جهانی فاصله دارند. با این حال، نسبت به دهه‌های گذشته نه تنها افول نکرده بلکه به رشد و بلوغ بیشتری دست یافته‌اند و آگاهی و مشارکت مردمی در آنها در حال افزایش است. بنابراین در این پژوهش به بررسی چگونگی فعالیت و نحوه بر ساخت مسائل محیط‌زیستی در یکی از جنبش‌های محیط‌زیستی فعال در حوزه آب در سال‌های اخیر، یعنی جنبش توقف تونل بهشت‌آباد می‌پردازیم. بدین معنی که فعالان محیط‌زیست در جنبش مخالفت با انتقال آب بهشت‌آباد چگونه مردم و سیاست‌گذاران را متقاعد کردند که با مسئله محیط‌زیستی مواجه هستیم. بنابراین پرسش این پژوهش این است که فعالان محیط‌زیست چگونه مسائل محیط‌زیستی را برمی‌سازند؟

مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش

پیشینه پژوهش

هم‌زمان با رشد و گسترش جنبش‌های محیط‌زیستی در دهه ۱۹۷۰ شاهد گسترش مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی در این حوزه هستیم. به‌طور کلی، می‌توان این پژوهش‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول شامل پژوهش‌هایی است که به نقش عوامل عینی و ساختاری در موفقیت یا شکست این جنبش‌ها می‌پردازد. از جمله پژوهش‌هایی که با رویکرد بسیج منابع به بررسی این جنبش‌ها پرداختند. از دهه ۱۹۸۰ با توجه به نارسایی‌هایی که رویکردهای ساختارگرا داشتند مانند نادیده گرفتن عوامل فرهنگی و نقش عاملان و کنشگران اجتماعی در جنبش‌های محیط‌زیستی طیف جدیدی از پژوهش‌ها با استفاده از رویکردهای بر ساخت‌گرا و تحلیل چارچوب انجام شدند که پژوهش حاضر نیز از این طیف از پژوهش‌ها خواهد بود. در ادامه به بررسی این دسته از پژوهش‌ها می‌پردازیم. بخش مهمی از پژوهش‌هایی که با رویکرد بر ساخت‌گرایی و چارچوب‌سازی^۱ به بررسی

جنبش‌های محیط‌زیستی پرداخته‌اند به چگونگی متقاعدسازی مخاطبان و جلب مشارکت مردم در جنبش پرداخته‌اند.

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این مورد انجام شده است می‌توان به پژوهش رابرت بنفورد^۱ (۱۹۹۳) با عنوان «چارچوب‌های کنش جمعی و واژگان محرک در جنبش خلع سلاح اتمی» نام برد. بنفورد در این پژوهش که به بررسی جنبش‌های ضد سلاح هسته‌ای در آمریکا پرداخته است معتقد است که این جنبش‌ها در چارچوب سازی‌شان از چهار عنصر اساسی برای تحریک و تشویق کنشگران به فعالیت در جنبش استفاده کردند که عبارت‌اند از شدت، فوریت، کارایی و الزام اخلاقی.

به عقیده بنفورد این که مردم موافق باشند که مسئله‌ای وجود دارد تضمین نمی‌کند که مردم برای حل آن مشکل اقدامی بکنند برای اینکه مردم حاضر شوند برای حل مسئله اقدامی بکنند باید آنها را متقاعد کرد که مسئله جدی و شدید است. بنابراین، فعالین با بزرگ‌نمایی مسئله و نشان دادن شدت مسئله آنها را قانع می‌کنند که تنها راه عاقلانه، کنش جمعی برای حل مسئله است. در جنبش خلع سلاح اتمی فعالین جنبش تلاش‌های زیادی برای نشان دادن شدید بودن مسئله انجام دادند. علی‌رغم شواهد زیادی که نشان می‌داد که آمریکایی‌ها موافق‌اند که مسابقه جنگ‌افزارهای هسته‌ای خطر جدی برای حیات در کره زمین است، اما اقدام جدی برای پیشگیری از آن انجام ندادند. بنابراین، گروه‌های مردمی فعال برای خلع سلاح اتمی آمریکا ترسناک بودن این مسئله را به مردم نشان دادند. سخنرانان به ارائه آمار و ارقام پرداختند که عظیم بودن تخریب سلاح‌های هسته‌ای و پیامدهای هولناک محیط‌زیستی آن را با جزئیات به مردم نشان دادند.

علاوه بر تأکید بر شدت مسئله بنفورد معتقد است که بسیج کنشگران تحت تأثیر فوریت مسئله هم هست. فعالین جنبش ضد هسته‌ای از طریق نامه و بروشور و خبرنامه و با استفاده از نمادهایی تحت عنوان «ساعت رستاخیز» که نشان‌دهنده از دست رفتن زمان برای اقدام در جهت جلوگیری از فاجعه اتمی است سعی در نشان دادن فوری بودن مسئله

1. Benford

داشتند. بدین ترتیب فعالین جنبش موفق شدند که مسئله سلاح‌های هسته‌ای را به‌عنوان مهم‌ترین مسئله حال حاضر جهان در میان مردم مطرح کنند. به عقیده بنفورد تأکید بر شدت و فوریت ممکن است موجب دلسردی و ناامیدی مردم در ایجاد تغییر شود. به همین دلیل فعالین جنبش علاوه بر آن، بر کارایی جنبش هم تأکید داشتند. آن‌ها دائماً تأکید می‌کردند که مشارکت تک‌تک افراد می‌تواند در حل این مشکل تأثیرگذار باشد. برای همه مشارکت‌کنندگان کلاس‌های برگزار شد تا به آنها قدرت فردی و مشارکت از طریق نافرمانی مدنی را آموزش دهند. علاوه بر این‌ها عامل مهم دیگر در مشارکت مردم در جنبش، الزام به انجام عمل بود. درواقع رهبران و سخنگویان جنبش چارچوب مشارکت بر اساس اخلاقیات را ایجاد کردند. بدین معنی که نوعی احساس تعهد اخلاقی و مسئولیت در برابر فرزندان‌شان و نسل‌های آینده و مسئولیت اخلاقی آنها در برابر حفاظت از کره زمین را در میان افراد ایجاد کردند.

جاسپر^۱ و پولسن^۲ (۱۹۹۵) به بررسی نحوه عضوگیری و جلب مشارکت مردمی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی فعال در زمینه حقوق حیوانات و ضد فعالیت‌های هسته‌ای پرداختند. آن‌ها در پژوهشی با عنوان «عضوگیری غریبه‌ها و دوستان: شوک‌های اخلاقی و شبکه‌های اجتماعی در حقوق حیوانات و اعتراضات ضد هسته‌ای» به این نتیجه رسیدند که جنبش‌های محیط‌زیستی از دو طریق عمده موفق به جلب مشارکت اعضا جدید می‌شوند از طریق شبکه‌های اجتماعی دوستان و از طریق ایجاد شوک‌های اخلاقی. به عقیده جاسپر و پولسن در جنبش ضد هسته‌ای که دارای شبکه‌های اجتماعی از قبل موجود است جذب اعضا جدید از طریق اعضا قدیمی صورت می‌گیرد اما در مورد جنبش‌هایی که تازه تأسیس هستند و فاقد شبکه اعضا از پیش موجود مانند جنبش حمایت از حقوق حیوانات بهترین شیوه جذب مشارکت گسترده مردمی ایجاد شوک‌های اخلاقی است. بدین شکل که سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در جنبش حمایت از حقوق حیوانات از طریق

1. Jasper
2. Poulsen

پوسترها و عکس‌هایی که در آنها حیوانات غمگین زندانی در قفس و حیواناتی که مورد شکنجه و آزار قرار می‌گرفتند و یا حیواناتی که در آزمایشگاه‌ها نگهداری می‌شدند توانستند احساس خشم و انزجار عمومی را از مقصران آزار حیوانات در آمریکا یعنی شرکت‌هایی که بودجه آزمایش روی حیوانات را می‌دهند و سازمان‌های دولتی حامی آنها را ایجاد کنند.

جاکو^۱ و ریکسون^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «برساخت ادعا سازی مسئله محیط‌زیستی در نزاع لایروبی رودخانه بریسن» به این موضوع پرداختند که چگونه استخراج شن و ماسه از رودخانه بریسن توسط شرکت‌های بتون‌سازی در ایالت کوئیزلند استرالیا توسط سازمان‌های مردم‌نهاد محلی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شد و توانست مشارکت مردم محلی و دولت را جهت توقف بهره‌برداری از رودخانه کسب کند. جاکو و ریکسون در این پژوهش به بررسی فرایند ادعا سازی توسط ادعاسازان می‌پردازند. آن‌ها با استفاده از نظریه ادعا سازی محیط‌زیستی هانیکان سه مرحله در برساخت رودخانه بریسن مشخص کردند. مرحله تجمیع ادعای محیط‌زیستی علیه لایروبی، مرحله دوم ارائه ادعای مسئله محیط‌زیستی لایروبی و مرحله سوم رقابت ادعای مسئله محیط‌زیستی در مورد لایروبی است. در مرحله تجمیع ادعای مسئله علیه لایروبی فعالین جنبش به‌منظور تعریف و شرح دقیق مسئله به دنبال تغییر ادراک اجتماع محلی از رودخانه بریسن بودند.

بدین معنی که نگرش بی‌تفاوت مردم محلی از رودخانه را تغییر دهند و نگرش به رودخانه به‌عنوان گنداب و فاضلاب تبدیل به دارایی طبیعی و سرمایه محلی شود. فعالین جنبش تلاش کردند تا مردم را متوجه کنند که به رودخانه به‌عنوان دارایی جمعی آنها آسیب وارد شده و با آن مانند یک معدن و فاضلاب رفتار شده و این رفتار باید تغییر کند. علاوه بر این ادعاسازان محلی با برگزاری کنفرانس‌هایی در مورد رودخانه مبنایی علمی برای ادعای خود پدید آوردند. همچنین با جلب حمایت شهردار توانستند گروهی متشکل

1. Jakku
2. Rickson

از مردم محلی، فعالین محیط‌زیستی و مقامات محلی برای مدیریت رودخانه ایجاد کنند این گروه مسئول حل مشکل رودخانه شد.

در مرحله دوم یعنی ارائه ادعای مسئله محیط‌زیستی لایروبی، یکی از اقدامات مهم در جلب توجه عموم مردم به این ادعا، استفاده گسترده از رسانه‌ها و جلب حمایت شهردار بود. در مرحله سوم ادعاسازان موفق به جلب حمایت سازمان‌های دولتی و مقامات ایالتی شدند همچنین فعالین محیط‌زیستی در برابر ادعای شرکت‌های بتون‌سازی و برخی مقامات محلی مبنی بر مزایای اقتصادی استخراج شن و ماسه از رودخانه برای منطقه اقدام به ختنی کردن ادعاهای رقیب با بر ساخت ضد ادعاها و نشان دادن مضرات اقتصادی و آلودگی‌های محیط‌زیستی در برابر منافع اقتصادی آن کردند.

در برخی از پژوهش‌هایی که به ادعا سازی و چارچوب سازی مسائل محیط‌زیستی می‌پردازند از مشکلات عمده عدم توجه کافی به زمینه اجتماعی - فرهنگی است. بدین معنی که در بر ساخت موفق یک مسئله محیط‌زیستی هماهنگی ادعا یا چارچوب بر ساخته شده توسط ادعاسازان با زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه یا رزونانس^۱ فرهنگی اهمیت زیادی دارد که تعداد کمی از پژوهش‌ها به آن پرداخته‌اند از جمله بویس^۲ و همکارانش (۲۰۱۱) به اهمیت ارتباط چارچوب‌های مسئله محیط‌زیستی با زمینه فرهنگی وسیع‌تر اشاره کرده‌اند. آن‌ها در پژوهش «فراسوی چارچوب‌های محیط‌زیستی: بازنمایی اجتماعی و رزونانس فرهنگی از طبیعت در نزار بر سر یک پارک جنگلی در هلند» نشان دادند که در نزار میان سازمان حفاظت از طبیعت و سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی بر سر نحوه اداره پارک جنگلی، سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی به علت رزونانس چارچوب‌هایشان با اجتماعی محلی برنده شدند. ادعای سازمان حفاظت از طبیعت به دلیل اتخاذ چارچوب علم‌گرایی و عدم رزونانس با فرهنگ مردم محلی مورد استقبال مردم قرار نگرفت اما سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی با اتخاذ چارچوب زیبایی‌شناختی موفق به جلب مشارکت مردم محلی شدند.

1. Resonance
2. Buijs

کوآن^۱ (۲۰۱۸) هم در پژوهش «هماهنگی در اجرا: حمایت سیاسی سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در چین» علت موفقیت سازمان‌های مردم‌نهاد چینی در مشارکت در سیاست‌گذاری‌های محیط‌زیستی را هماهنگی و پیوند چارچوب‌های آنها با نمادهای فرهنگی موردپذیرش دولت و مردم چین می‌داند. به عقیده او تصویب قانون دادخواهی منفعت عمومی زیست‌محیطی (EPIL) که به سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در چین اجازه می‌دهد که آلوده‌کنندگان محیط‌زیست را تحت پیگرد قانونی قرار دهند موفقیت بزرگی برای سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی چینی در سال ۲۰۱۵ بود که به دلیل اتخاذ چارچوب‌های نظم و ثبات، ملی‌گرایی، همکاری، منافع عمومی و در کل چارچوب هماهنگی به دست آمد. این در صورتی است که تلاش‌های سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی از ده سال قبل به علت اتخاذ چارچوب‌های دموکراسی و حقوق بشر و فردگرایی که با فرهنگ جامعه و دولت چین رزونانس نداشت موفقیت‌آمیز نبود.

علاوه بر توجه ناکافی به تأثیر رزونانس فرهنگی چارچوب‌ها و ادعاهای محیط‌زیستی، اکثر پژوهش‌ها در بررسی روابط میان کنشگران مختلف حاضر در جنبش‌های محیط‌زیستی یا ذینفعان معمولاً بر نزاع و تضاد میان گروه‌های مختلف تأکید می‌کنند. به‌عنوان مثال کپک (۱۹۹۳) در پژوهش «چارچوب عدالت محیط‌زیستی» نشان داد که پس از آنکه مراجعات مردم محلی محله کارور در تگزاس به دادگاه و مقامات قضایی به خاطر آلودگی‌های سمی منطقه به جایی نرسید با تغییر رویکرد فعالین جنبش یعنی بسیج مردمی و استفاده از رسانه‌ها و برپایی راهپیمایی‌های اعتراضی دولت و شرکت آلوده‌کننده مجبور به عقب‌نشینی و جبران خسارت مردم منطقه شدند.

تری اندافیلیدو^۲ و فوشیو^۳ (۱۹۹۸) در پژوهش «پایداری و نوگرایی در اتحادیه اروپا: رویکرد نظریه چارچوب در سیاست‌گذاری» به بررسی رقابت و نزاع میان کنشگران درگیر

1. Qiaoan
2. Triandafyllidou
3. Fotiou

در مسائل محیط‌زیست در اتحادیه اروپا یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی، شرکت‌های تجاری و مقامات اتحادیه اروپا می‌پردازد. به عقیده آنها این ذینفعان عمده در مسائل محیط‌زیستی از چارچوب‌های عقل‌گرای/علم‌گرایی، مسئولیت اخلاقی، منافع عمومی و منافع اقتصادی به شیوه‌های متفاوت برای بر ساخت مسائل زیست‌محیطی استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال به دلیل اهمیت دانش فنی و تخصصی و عقل‌گرایی در جوامع غربی هر سه گروه از کنشگران از چارچوب عقل‌گرای/علم‌گرایی برای اعتبار ادعای خود استفاده می‌کنند. کنشگران بخش تجارت بر عقلانیت اقتصادی تأکید دارند، بروکرات‌ها بر نظام تخصصی و محیط‌زیست‌گراها بر کارایی عملی.

هنک و همکارانش (۲۰۰۲) در پژوهش «چارچوب سازی متفاوت در نزاع‌های محیط‌زیستی توسط گروه‌های ذینفع» به بررسی نقش چارچوب سازی در نزاع‌های محیط‌زیستی می‌پردازند. به عقیده آنها گروه‌های ذینفع یعنی سازمان‌های دولتی، بخش تجاری و گروه‌های حامی محیط‌زیست با استفاده از چارچوب‌های متفاوت سعی در متقاعد کردن مردم و برنده شدن ادعایشان را دارند و آنها در این رقابت از چهار چارچوب اصلی استفاده می‌کنند که عبارت‌اند از چارچوب ریسک، مدیریت تضاد، قدرت و نگرش به طبیعت.

آرجن^۱ و همکارانش (۲۰۰۹) در پژوهش «حمایت عمومی برای بازگرداندن رودخانه» به بررسی اعتراضات سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی و مردم محلی در هلند به ساختن سد بر روی رودخانه‌ها پرداختند. به عقیده آنها این نزاع میان مدیریت رودخانه با چارچوب امنیت و طرفداران محیط‌زیست با چارچوب‌های طبیعت زیبا، پیوند و چارچوب روستایی جریان داشت. مدیریت رودخانه با چارچوب امنیت ادعا می‌کرد که ساخت سد بر روی رودخانه‌ها برای جلوگیری از سیل حیاتی است. این رویکرد از دهه ۱۹۷۰ در هلند با چالش جدی مواجه شد و گفتمان جدیدی ظهور یافت که به جای امنیت بر حفاظت از طبیعت و جنبه‌های زیبایی‌شناختی رودخانه‌ها تأکید داشت. بنابراین در برابر چارچوب حفظ امنیت

1. Arjen

مدیران رودخانه چارچوب‌های جدیدی توسط اجتماع محلی ایجاد شد که به حفظ زیبایی طبیعی، حفظ رودخانه به‌عنوان یک دارایی محلی و فرهنگی و حفاظت از کشاورزی محلی تأکید داشتند. همان‌طور که گفتیم اکثر پژوهش‌ها به نزاع‌های میان کنشگران و ذینفعان مختلف در بساخت مسئله محیط‌زیستی پرداختند. اینکه چگونه گروه‌های مختلف با بساخت چارچوب‌های متفاوت به رقابت با یکدیگر برمی‌خیزند و تعداد کمتری از پژوهش‌ها به همکاری میان ذینفعان برای حل مسائل محیط‌زیستی و اتخاذ چارچوب مشترک پرداخته‌اند.

از جمله دیوید پلو^۱ (۱۹۹۶) در پژوهش «چارچوب سازی ظهور تاکتیک‌های جنبش محیط‌زیستی» تلاش می‌کند به مدل دیگری از فعالیت‌های محیط‌زیستی پردازد که به جای رویکرد غالب منازعه به سمت توافق و همکاری تمایل دارد. به عقیده پلو فعالان محیط‌زیست لزوماً در ارتباط با دولت یا بخش صنعت از استراتژی مواجهه استفاده نمی‌کنند و در برخی موارد به چارچوب سازی مشترک با مخالفانشان می‌پردازند. در واقع، امروزه تعداد بیشتری از جنبش‌های محیط‌زیستی از استراتژی توافق و همکاری استفاده می‌کنند که شامل مشارکت در قانون‌گذاری، استفاده از کمپین‌های فراندوم و لابی‌گری است برخلاف استراتژی‌های مواجهه که مبتنی بر تظاهرات و نافرمانی مدنی و اعتصاب بود. البته پلو معتقد است که این به این معنی نیست که فعالان جنبش چارچوب سازی تنازع را کلاً کنار گذاشته‌اند در واقع فعالان محیط‌زیست در ارتباط با دولت و سایر مخالفان ترکیبی از مواجهه و مذاکره را به شکل نوآورانه به کار می‌برند یعنی در سر میز مذاکره. در واقع هدف دستیابی به زمینه مشترک و رسیدن به موقعیت برد-برد است.

کوآن (۲۰۱۸) معتقد است که برخلاف جنبش‌های محیط‌زیستی در جوامع غربی که از طریق رویکرد مواجهه با دولت از طریق بسیج مردمی توانستند به موفقیت دست یابند در جوامع شرقی مانند چین چارچوب هماهنگی و همکاری با دولت در موفقیت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی نقش مهمی داشته است. در مورد EPIL، سازمان‌های

1. Peloo

مردم نهاد محیط زیستی به دولت این پیام را دادند که آنها در یک سنگر با دولت با مشکل محیط زیستی می‌جنگند و حل مسائل محیط زیستی در جهت منافع ملی است. آن‌ها به جای بیانیه دادن و رفتن به خیابان به گفتگو و مذاکره با دولت پرداختند و سعی کردند یاران و همراهانی با خود در درون ساختار قدرت بیابند.

در نهایت می‌توان گفت که اکثر پژوهش‌ها در تحلیل ادعاها و چارچوب‌های محیط زیستی به کاررفته توسط جنبش‌های محیط زیستی بر روی جنبه‌های گفتاری و رتوریک آن‌ها متمرکز شده‌اند و کمتر به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های بکار رفته توسط فعالان جنبش توجه شده است. یکی از پژوهش‌های مهمی که به سازوکارهای عملی بکار رفته در موفقیت جنبش پرداخته است می‌توان به پژوهش «کاربرد چارچوب سازی تاکتیک‌های جنبش» نام برد. مک‌آدام (۱۹۹۱) در این پژوهش معتقد است که مهم‌ترین عامل در موفقیت جنبش حقوق مدنی آمریکا تنها سخنرانی‌ها و واژگان و عباراتی نبود که توسط رهبران جنبش به کار رفت بلکه استراتژی‌ها و تاکتیک‌های عملی که رهبران جنبش به کار گرفتند در موفقیت جنبش نقش اساسی داشت. جنبش حقوق مدنی آمریکا در اعتراض به تبعیض نژادی دولت‌های ایالتی جنوب آمریکا در پی جلب حمایت و مداخله دولت مرکزی در جنوب برای پایان دادن به این وضعیت بود و برای رسیدن به این هدف از تاکتیک راهپیمایی‌های بدون خشونت بهره برد. جنبش حقوق مدنی با شیوه راهپیمایی مسالمت‌آمیز و بدون خشونت در برابر خشونت که دولت‌های ایالتی و طرفداران جداسازی نژادی به کار می‌بردند توانست توجه رسانه‌های آمریکایی را به خود جلب کند. رسانه‌های آمریکایی هر روز صحنه‌های حمله پلیس به راهپیمایان و حمله سگ‌های پلیس به آنان و در مقابل عدم خشونت تظاهرات‌کنندگان را به تصویر می‌کشیدند. توجه رسانه‌ها به جنبش موجب توجه عموم مردم به جنبش و حمایت گسترده مردم از خواسته‌های جنبش شد که در نهایت موجب فشار عمومی بر دولت مرکزی جهت مداخله و پایان دادن به تبعیض نژادی در ایالت‌های جنوبی شد.

کوآن (۲۰۱۸) هم بر اهمیت تاکتیک‌های عمل در پیروزی جنبش‌های محیط‌زیستی در چین اشاره کرده است. به عقیده کوآن در موفقیت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در تصویب قانون EPIL تاکتی‌های شروع‌کننده بودن، دسترسی به سیاست‌گذاران و گفتگو با دولت نقش مهمی داشتند. شروع‌کننده بودن بدین معناست که سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی و رهبر آنها لیانگ طرح EPIL را برای اولین بار با دولت مطرح کرد و سایرین به‌طور سفت‌وسخت آن را پیگیری کردند. دومین تاکتیک سازمان‌های مردم‌نهاد پیدا کردن همراهانی از میان سیاست‌گذاران بود. به عقیده کوآن در نسخه‌های قبلی رهبران جنبش تنها به دنبال جلب حمایت از بیرون مانند جلب حمایت رسانه‌ها بودند و در نهایت موفق نشدند. اما در نسخه آخر طرح رهبران جنبش به دنبال جلب حامیانی از درون نظام سیاسی برآمدند که نتیجه مثبت بود. تاکتیک سوم مذاکره و گفتگو با دولت بود. رهبران جنبش سعی کردند از طرق مختلف مانند سمینار و میزگرد به مذاکره و گفتگو با دولت بپردازند.

بنابراین با توجه به خلأهای پژوهشی که ذکر شد (عدم توجه به هماهنگی چارچوب‌های ساخته‌شده با فرهنگ اجتماع محلی، عدم توجه به اشکال متفاوت ارتباط سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی با سازمان‌های دولتی و عدم توجه کافی به اقدامات عملی جنبش‌های محیط‌زیستی) ما در این پژوهش علاوه بر بررسی و تحلیل چارچوب‌های ادعاهای محیط‌زیستی به تأثیر رزونانس فرهنگی در موفقیت ادعاهای محیط‌زیستی نیز بپردازیم. همچنین اشکال متعدد ارتباط میان سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی با سایر کنشگران و ذینفعان (سازمان‌های دولتی و...) را هم در نظر خواهیم گرفت. همچنین علاوه بر جنبه‌های گفتاری بر جنبه‌های رفتاری برساخت ادعاهای محیط‌زیستی توسط ادعاسازان محیط‌زیستی توجه خواهیم داشت.

دیدگاه‌های نظری

نظریه‌های جامعه‌شناختی مسائل محیط‌زیست را می‌توان به سه پارادایم عمده تقسیم کرد: کارکردگرایی ساختاری (نظریه سیستمی)، نظریه تضاد (اقتصاد سیاسی) و بر ساخت گرایی (مشونیس، ۱۳۹۵: ۳۹۷).

کارکردگرایی ساختاری: رویکرد ساختاری کارکردی مسائل محیط‌زیست را به عملکرد کلی جامعه مرتبط می‌کند. این رویکرد در رابطه با مسائل زیست‌محیطی سه اصل مهم دارد اول اینکه تکنولوژی اثر مهمی بر محیط‌زیست دارد. هرچه تکنولوژی جامعه قوی‌تر باشد توانایی جامعه برای تغییر دنیای طبیعی بیشتر خواهد بود. دوم اینکه فرهنگ بر وضع محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد. تحلیل ساختاری کارکردی خاطر نشان می‌کند که چگونه ارزش‌ها و اعتقادات بشر هدایت‌گر اعمال او هستند بنابراین وضع محیط‌زیست بیانگر نگرش ما به دنیای طبیعی است. مردم جوامع صنعتی عموماً طبیعت را منبعی در خدمت رفع نیازهای خود می‌بینند. در واقع سلطه نوعی فرهنگ مادی‌گرایانه که در آن طبیعت در خدمت آسایش و رفع نیازهای انسان قرار می‌گیرد و گسترش مصرف‌گرایی و ارزش‌های مادی موجب شده است که امروزه فشار بر محیط‌زیست افزایش یافته است سوم اینکه تحلیل ساختاری کارکردی بر وابستگی متقابل همه الگوهای اجتماعی اشاره دارد. به‌عنوان مثال تولید صدها میلیون اتومبیل فشار زیادی بر منابعی نظیر نفت و آلاینده‌های جو زمین است (مشونیس، ۱۳۹۵: ۳۹۸).

به عقیده صاحب‌نظران این دیدگاه حل مسائل محیط‌زیست قطعاً کار دشواری است اما تحلیل ساختاری کارکردی نگاه خوش‌بینانه‌ای دارد چرا که بر اساس این دیدگاه سیستم‌ها خود را با شرایط متغیر سازگار می‌کنند. به‌عنوان مثال در مورد آلودگی هوا می‌بینیم که کیفیت هوا با گسترش تکنولوژی صنعتی در کشورها به شدت پایین می‌آید اما به تدریج جوامع غربی مسائل را تشخیص می‌دهند و قوانین جدیدی وضع می‌کنند و تکنولوژی‌های جدیدی خلق می‌کنند تا هوا را پاک کند. آن‌ها به روند افزایش آگاهی زیست‌محیطی در جوامع صنعتی اشاره می‌کنند به‌ویژه اینکه تولید از کارخانه‌های پر دود به تکنولوژی پاک

اطلاعات تغییر کرده و جامعه از مسائل محیط‌زیست آگاه است و در جهت رفع آن عمل می‌کند (مشونیس، ۱۳۹۵: ۴۰۲).

ژولین سیمون در برابر هشدارهای نابودی محیط‌زیست بر نبوغ انسان تأکید می‌کند. به عقیده او هرچه تکنولوژی پیشرفته‌تر باشد تأثیر بالقوه جامعه بر محیط طبیعی افزایش می‌یابد و موجب تخریب محیط‌زیست می‌شود اما درعین حال خود تکنولوژی هم می‌تواند موجب نجات محیط‌زیست شود. به عقیده او امروزه شاهد ظهور انواع جدید انرژی و تکنولوژی جدید تولید که برای محیط‌زیست مساعد است هستیم. اتومبیل‌ها بسیار پاک‌تر از نمونه‌های قدیمی آن هستند. به‌طور کلی تکنولوژی اطلاعات امروز بسیار پاک‌تر از تولید صنعتی است. دلایل خوبی وجود دارد که به آینده خوش‌بین باشیم که تکنولوژی پیشرفته همچنان از آلودگی اتومبیل‌ها و دود کارخانه‌ها کم کند و به حفاظت از محیط‌زیست کمک کند (مشونیس، ۱۳۹۵: ۴۰۲).

تضادگرایی: رویکرد تضادگرایی یا اقتصاد سیاسی که ریشه در مارکسیسم دارد منطق سرمایه‌داری و سیستم اقتصادی نئولیبرال را عامل بحران‌های زیست‌محیطی موجود می‌داند. در جهان نئولیبرال موفقیت اقتصادی نیازمند رشد مستمر است که شامل محصولات جدید، نوآوری، چرخه‌های تولید کوتاه و فرآیندهای سریع تخریب می‌شود. تولید کالاها نه تنها بر مبنای استثمار کارگران و منابع انسانی بلکه بر اساس استثمار منابع طبیعی انجام می‌شود. این استثمار منابع طبیعی امروزه محدود به کشورهای صنعتی نمی‌شود بلکه طی فرآیند جهانی شدن اقتصاد همه جهان را در برمی‌گیرد (Ritzer, 2003: 1282).

درواقع نظریه تضاد اجتماعی به موضوعی اشاره می‌کند که کارکردگرایی نادیده می‌گیرد یعنی قدرت و نابرابری. نظریه‌پردازان تضاد اجتماعی معتقدند که مسائل محیط‌زیست برخاسته از نابرابری‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر نخبگان با دنبال کردن منافع شخصی خود مستقیم یا غیرمستقیم مسائل محیط‌زیست را بحرانی‌تر می‌کنند. از دیدگاه آنان سازمان اجتماعی با آغاز انقلاب صنعتی اولین سرمایه‌داران از مصرف عظیم

منابع زمین برای تأمین مواد خام مورد نیاز کارخانه‌ها سودهای هنگفت بردند. سرمایه‌داران همان‌طور که توجهی به پیامدهای اجتماعی عمل خود ندارند، توجه خاصی هم به اثر آن بر محیط‌زیست طبیعی ندارند.

نظریه پردازان تضاد اجتماعی به پیروی از مارکس سرمایه‌داری را تهدیدی علیه محیط‌زیست می‌دانند. زیرا اولاً سرمایه‌داری خواهان سودجویی است که در عمل به معنی گسترش اقتصادی مستمر و دقیقاً همان الگویی است که شالوده منطبق رشد است. دیگر اینکه استراتژی‌های بالا بردن سود، شامل طراحی و تولید محصولات با عمر کوتاه است که مفهوم از مد افتادگی برنامه‌ریزی شده خوانده می‌شود. چنین سیاست‌هایی سود شرکت‌ها را در کوتاه‌مدت بالا می‌برد اما باعث تاراج بلندمدت منابع طبیعی و تولید کوهی از زباله می‌شود (مشونیس، ۱۳۹۵: ۴۰۲). دومین موضوعی که نظریه تضاد اجتماعی به آن اشاره دارد نابرابری جهانی است. این مردم کشورهای ثروتمند هستند که بخش اعظم منابع جهان را مصرف می‌کنند و بخش اعظم آلودگی در هوا و آب و زمین را ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر کشورهای ثروتمند نه تنها شیوه رفاه مادی خود را با بهره‌کشی از کشورهای کم‌درآمد تأمین می‌کنند بلکه آب و هوای جهان را هم آلوده می‌کنند.

برساخت‌گرایی اجتماعی: دیدگاه برساخت‌گرایی یا سازه‌گرایی اجتماعی مسائل محیط‌زیستی را ذهنی می‌داند. بدین معنی که مشکلات زیست‌محیطی فراوانی وجود دارند اما برخی از آنها اهمیت می‌یابند و تبدیل به مسئله اجتماعی می‌شوند و به برخی دیگر اهمیت چندانی داده نمی‌شود. این رتبه‌بندی در اهمیت مسائل زیست‌محیطی بیشتر به عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بستگی دارد تا میزان خطرناک بودن و آسیب‌زا بودن مشکلات زیست‌محیطی (Ritzer, 2003: 1284). در واقع آنچه مورد توجه برساخت‌گرایان اجتماعی است این است که چرا برخی از مسائل زیست‌محیطی به عنوان مشکلات اورژانسی در نظر گرفته می‌شوند و برخی دیگر نه. آن‌ها مجموعه‌ای از سؤالات مهم را در مورد ادعاهای زیست‌محیطی مطرح می‌کنند. مثلاً اینکه تاریخچه این ادعاها چیست؟ چگونه شکل گرفته‌اند؟ چه کسانی این ادعاها را مطرح کرده‌اند؟ قدرت‌های نابرابر گروه‌های

اجتماعی چه تأثیری بر شکست یا موفقیت این ادعاها دارند؟ معتقدند که مسائل زیست‌محیطی تا اندازه زیادی در جامعه ساخته می‌شوند و برای حل یک مشکل زیست‌محیطی باید فعالیت‌های اجتماعی انجام داد یعنی باید افکار عمومی را متقاعد کرد که با مسئله‌ای زیست‌محیطی خطرناکی روبرو هستیم و باید برای رفع آن اقدامات فوری انجام داد.

بنابراین هر اندازه یک مشکل به لحاظ علمی خطرناک باشد تا زمانی که مردم آن را خطرناک ندانند تبدیل به یک مسئله اجتماعی نمی‌شود و اقدامی در جهت رفع آن نخواهد شد. بر ساخت‌گرایان اجتماعی اگرچه اعتبار دغدغه‌های مربوط به آلودگی، کمبود انرژی و تکنولوژی‌های جدید را انکار نمی‌کنند اما معتقدند که این مسائل حاصل فرایندهای پویای اجتماعی مانند تعریف، مذاکره و مشروع سازی هستند. به‌طور خلاصه بر ساخت‌گرایان نیروهای قابل توجه طبیعت را انکار نمی‌کنند بلکه معتقدند میزان و روال این تأثیر بستگی به بر ساخت انسان‌ها دارد. بعلاوه بر ساخت‌گرایان معتقدند که رتبه‌بندی ادعاهای مشکلات زیست‌محیطی توسط عواملان اجتماعی همیشه با ضرورت‌های واقعی تطبیق ندارد بلکه نشان‌دهنده ماهیت سیاسی تنظیم دستورالعمل‌هاست (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

دانیلین لوزیک (۱۳۹۱) معتقد است که ما در دو جهان زندگی می‌کنیم جهان عینی و جهان معانی. در نگرش بر ساخت‌گرایی هر مشکل اجتماعی عینی تا زمانی که در ذهن مردم به‌صورت شرایطی مشکل‌زا درک نشود نمی‌تواند یک مسئله اجتماعی باشد. به این دلیل است که گفته می‌شود مسئله اجتماعی تا زمانی که به‌عنوان شرایط مشکل‌زا تعریف و ادراک نشود وجود ندارد. اگرچه ممکن است شرایطی وجود داشته باشد و مردم از آن شرایط در آزار و اذیت باشند اما تا زمانی که آدم‌ها آن شرایط را مشکل‌زا ندانند و تا زمانی که احساس نکنند که درباره آن باید کاری کرد نمی‌توان آن شرایط را مسئله اجتماعی نامید. بنابراین زمانی می‌توان مشکلات زیست‌محیطی را مسئله اجتماعی نامید که مردم آن را شرایطی آزاردهنده و مشکل‌زا و قابل حل بدانند و برای حل آن اقدام کنند.

در واقع لوزیک معتقد است که مسئله اجتماعی ساخته می‌شود و برای ساخت یا برساخت یک مسائل اجتماعی باید کار مسائل اجتماعی انجام شود. کار مسائل اجتماعی فعالیت‌هایی است که افرادی مانند اعضا سازمان‌های مردم‌نهاد انجام می‌دهند تا مردم متقاعد شوند که با شرایط مشکل‌زایی روبرو هستند و باید برای آن کاری انجام دهند. بعلاوه، لوزیک از استعاره‌ای به نام بازی مسائل اجتماعی نام می‌برد. بدین معنی که برساخت یک مسئله اجتماعی از جمله مسئله زیست‌محیطی مانند بازی‌های عادی شامل مجموعه فعالیت‌ها و بازیگرانی است که با یکدیگر رقابت می‌کنند و برای برنده شدن در بازی مسائل اجتماعی استراتژی‌هایی را باید به کار برد و با سایر مسائل اجتماعی به رقابت برخاست.

به عقیده هانیکان (۱۳۹۴) حرف اصلی در مباحثات برساخت موضوعات و مشکلات زیست‌محیطی، این است که پیدایش یا افول موضوعات و مشکلات محیط‌زیست تابع اصول، ضوابط و معیارهای ثابت و غیراجتماعی نیست بلکه شیوع آنها به‌طور مستقیم به موفقیت ادعاهای گروهی از کنشگران اجتماعی مانند فعالان محیط‌زیست، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران و دانشمندان بازمی‌گردد. به عقیده هانیکان مشکلات زیست‌محیطی مانند سایر مسائل اجتماعی منشأ اجتماعی دارند با این تفاوت که مشکلات زیست‌محیطی مانند مسمومیت ناشی از آفت‌کش‌ها یا گرمایش زمین به‌طور مستقیم به یافته‌های علمی مربوط هستند (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

چارچوب نظری

دو دیدگاه کارکردگرایی ساختاری و تضادگرایی علی‌رغم تفاوت‌هایی که باهم دارند در مورد علت‌ها و راه‌حل‌هایی که برای مسائل اجتماعی از جمله مسائل زیست‌محیطی ارائه می‌دهند از این نظر اشتراک دارند که هر دو به عوامل عینی و ساختاری در تعریف و تبیین مسائل اجتماعی توجه دارند. برخلاف این دو در سال‌های اخیر دیدگاه‌های برساخت‌گرا بر

اساس رویکردهای پست‌مدرنیستی در تعریف و تبیین مسائل اجتماعی مطرح شده‌اند که به جای تأکید بر عوامل عینی و ساختاری بر عوامل ذهنی و آگاهی و نسبیّت تأکید می‌ورزند. در این دسته از دیدگاه‌ها مسائل اجتماعی مستقل از ذهن عاملان اجتماعی وجود ندارد و این عاملان اجتماعی هستند که تعیین می‌کنند از میان انبوه مشکلات اجتماعی کدام یک اهمیت بیشتری یابند، تبدیل به مسئله اجتماعی شوند و برای حل آنها اقدام شود. بنابراین برخلاف دو دیدگاه قبلی که برای حل مسائل زیست‌محیطی می‌بایست ساختارهای اجتماعی تغییر کنند مانند تغییر نظام سیاسی، در رویکرد برساخت‌گرایی یا سازه‌گرایی، عاملان اجتماعی این امکان را دارند تا از طریق مشارکت اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد از تخریب محیط‌زیست جلوگیری کنند و موجب تغییرات عمده در این زمینه گردند. بنابراین با توجه به اهمیتی که این رویکرد به نقش مشارکت مردمی در حل مسائل زیست‌محیطی قائل است در این پژوهش، از رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی به‌عنوان راهنمای پژوهش استفاده می‌شود. بدین منظور به بررسی نظرات نظریه‌پردازان برجسته برساخت‌گرا یعنی لوزیک، هانیکان، اسنو و بنفورد در مورد سازوکارهای برساخت مسائل اجتماعی می‌پردازیم.

نظریه برساخت مسائل اجتماعی لوزیک

لوزیک (۱۳۹۱) معتقد است که برای برساخت موفق یک مسئله اجتماعی از جمله مسائل زیست‌محیطی، سه مفهوم کلیدی وجود دارد. ادعا سازی (فعالیت‌هایی که برای برساخت یک مسئله اجتماعی انجام می‌شود)، ادعاسازان (افراد یا گروه‌هایی که ادعاهایی را مطرح می‌کنند) و مخاطبان یا حضار (مردمی که به ادعاها گوش می‌دهند یا آنها را می‌بینند و آنها را ارزیابی می‌کنند).

ادعاسازان

لازمه ساخته شدن یک مسئله اجتماعی موفقیت آمیز متقاعد شدن مخاطبان نسبت به این است که شرایطی مشکل‌زا وجود دارد. این شرایط مشکل‌زا شایع و گسترده است. و اینکه این شرایط می‌تواند تغییر کند و باید تغییر کند. متقاعد کردن مخاطبان کار اصلی ادعاسازان است (لوزیک، ۱۳۹۱: ۵۲). افرادی که به‌طور فعال و مؤثر در سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند مهم‌ترین گروه ادعاسازان هستند و جز ادعاسازان اولیه هستند (لوزیک، ۱۳۹۱: ۵۶). همه ادعاسازان در کسب اعتبار یکسان و برابر نیستند. مهارت‌ها و دانش ادعاسازان در کسب اعتبار آن‌ها مؤثر است. می‌توان گفت که برخی از ادعاها که توسط گروهی از افراد ساخته می‌شوند جدی فرض می‌شوند و برخی ادعاهایی که از سوی گروهی دیگر از افراد ساخته می‌شوند کم‌اهمیت تلقی شده و به آن توجهی نمی‌شود. به‌طور کلی مردم به تحقیقات علمی توجه دارند. بنابراین گرایششان بر این است که ادعاهایی را که دانشمندان و افرادی که منزلت دانشگاهی دارند را باور کنند. به‌طور کلی دانشمندان و دانشگاهیان در رأس سلسله‌مراتب اعتبار قرار دارند. (لوزیک، ۱۳۹۱: ۶۶).

بنابراین می‌توان گفت که برد یا باخت یک ادعا تا حد زیادی به افراد و مراجعی بستگی دارد که آن ادعا را مطرح می‌کنند. در بسیاری از موارد بی‌توجهی مخاطبان به یک ادعا ناشی از کسانی است که ادعاها را مطرح می‌کنند. اینکه چرا شرایطی نمی‌تواند توجه و ذهنیت عمومی را به‌سادگی جلب کند ناشی از شخصی است که متولی طرح ادعاهایی در ارتباط با مسئله بودن آن شرایط شده است. قواعد بازی مسائل اجتماعی همان قواعد معمول زندگی اجتماعی است. مسائلی که جامعه به آنها بی‌توجهی نشان داده است عموماً همان مسائل مطرح شده از سوی افرادی است که در انتهای سلسله‌مراتب اعتبار در بازی مسائل اجتماعی قرار دارند (لوزیک، ۱۳۹۱: ۶۷). همان‌طور که گفتیم ادعاسازان گروهی از افراد هستند که درگیر ساختن مسائل اجتماعی هستند. اما گروهی دیگر از مردم هستند که مخاطبان نامیده می‌شوند اینان کسانی هستند که این ادعاها را گوش می‌کنند و با تصمیم

درباره اینکه کدام‌یک از ادعاها را می‌توان باور کرد به موفقیت یا عدم موفقیت یک ادعا کمک می‌کنند.

مخاطبان (حضار)

مسئله اجتماعی زمانی خلق می‌شود که مخاطبان ادعای مطرح‌شده را باور کردنی بدانند. در استعاره بازی مسائل اجتماعی برنده بودن یا بازنده بودن فرد بستگی به رأی مخاطبان دارد. مخاطبان هستند که درباره ادعاهای مربوط به مسائل اجتماعی داوری می‌کنند. در واقع واژه عموم مردم را که ما در مورد مخاطبان به کار می‌بریم شامل انواع متفاوتی از مردم هستند که ادعاها در مورد مسائل اجتماعی را می‌شنوند یا می‌بینند. هر دسته‌ای از مردم نوع خاصی از نشریات می‌خوانند، برنامه‌های خاصی می‌بینند و به سخنرانی‌های خاصی می‌روند بنابراین ادعاهای خاص را مربوط به مسائل اجتماعی می‌پذیرند (لوزیک، ۱۳۹۱: ۶۸). بازی مسائل اجتماعی زمانی پیروز می‌شود که مخاطبان متقاعد شوند که شرایط خاصی وجود دارد و لازم است که برای بهبود آن شرایط کاری انجام داد (لوزیک، ۱۳۹۱: ۷۱).

ادعا سازی

به عقیده لوزیک ادعاهایی که درباره اخلاقیات، شرایط و مردم و راه‌حل‌ها باشند مجموعه‌ای موفق از ادعاها را شکل می‌دهند. یعنی ادعاهایی که در آن اخلاقیات، شرایط - مردم و راه‌حل‌ها به‌درستی بر ساخته شوند مجموعه‌ای موفق را شکل می‌دهند که می‌توانند مخاطبان را متقاعد کنند.

ساختن اخلاقیات

ادعاهای مربوط به مسائل اجتماعی باید به این سؤال پاسخ دهند که چرا شرایطی مشکل‌زاست؟ یکی از ویژگی‌های دنیای امروزین تنوع اخلاقی است. در واقع ادعاهای

مربوط به مسائل اجتماعی کاری جز ساختن یک ماهیت مشکل‌زا از شرایط ندارند و چنین کاری یک سازه اخلاقی است. ادعاهای مربوط به مسائل اجتماعی در واقع ادعاهایی در مورد اخلاقیات هستند. یعنی زمانی یک مشکل به عنوان مسئله اجتماعی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که به عنوان یک موضوع غیر اخلاقی برساخته شود. یعنی ادعاسازان باید نشان دهند که اخلاقیات مورد تعرض قرار گرفته است. از نظر لوزیک سه نوع اخلاقیات وجود دارند که در فرایند ادعا سازی، ادعاسازان از آنها استفاده می‌کنند. اخلاقیات مذهبی، اخلاقیات سازمانی و اخلاقیات انسانی (لوزیک، ۱۳۹۱: ۸۰).

ساختن شرایط و مردم

همان‌طور که گفته شد برای برساخت ادعایی موفق یعنی ادعایی که مخاطبان را متقاعد کند که شرایط آزاردهنده و مشکل‌زا وجود دارد و باید آن را تغییر داد ادعاسازانی مانند اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد باید نشان دهند که شرایط موجود غیر اخلاقی است. در واقع مخاطبان زمانی نگران می‌شوند که متقاعد شوند با شرایطی غیر اخلاقی مواجه هستند. اما علاوه بر آن مخاطبان ادعاهای مربوط به مسائل اجتماعی خواستار درک ویژگی‌های خاص شرایطی هستند که به عنوان مسئله اجتماعی شناخته شده است. آن‌ها می‌خواهند ویژگی‌های خاص افرادی را که از این شرایط زیان می‌بینند یعنی قربانیان را بفهمند همچنین آن‌ها می‌خواهند ویژگی‌های افرادی را که بوجود آورنده این شرایط هستند یعنی مقصران را بدانند. بنابراین در برساخت مسائل اجتماعی ادعاسازان باید مقولاتی از علت‌های مسئله، مقصران مسئله و افرادی که قربانی این شرایط هستند را بسازند (لوزیک، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

ساختن انواع شرایط: ادعاها باید محتوای دقیق شرایط مسائل اجتماعی را بسازند. ادعاها به‌ویژه باید مخاطبان را متقاعد سازند که با نوع خاصی از شرایط مواجه هستند. باید نشان دهند که این شرایط علت خاصی دارد، این شرایط تکرار می‌شود و صرفاً یک‌بار اتفاق نمی‌افتد و اینکه پیامدهای این شرایط از نظر اخلاقی مشکل‌زاست.

ساختن انواع مردم: بدون مطرح کردن ادعاهایی درباره افرادی که در یک شرایط خاص قرار دارند ادعاهای مربوط به شرایط مسائل اجتماعی کافی نیستند. اولین شرط برای اینکه یک شرایطی مسئله اجتماعی باشد آن است که آن شرایط حتماً قربانی داشته باشد و دومین شرط یک مسئله اجتماعی امکان داشتن یک فرد مقصر است. ساختن قربانی بدین معنی است که ادعاسازان نشان دهند که افرادی در شرایط مشکلی قرار دارند و اینکه خودشان مسئول این شرایط نیستند و قربانی هستند. مثل کسانی که قربانی سیل یا خشکسالی شده‌اند. علاوه بر انسان‌ها می‌توان در مورد ادعاهای تخریب محیط‌زیست حیوانات و طبیعت را هم به‌عنوان قربانی معرفی کرد. بنابراین ادعاسازان باید نشان دهند این افراد در شرایط سختی زندگی می‌کنند و این شرایط از شرایطی که مخاطبان در آن زندگی می‌کنند سخت‌تر است و اینکه خودشان مسئول مشکلشان نیستند. مقصران کسانی هستند که مسئول شرایط خاصی هستند. مقصر ممکن است ساختارها باشند مثلاً نظام سیاسی یا سرمایه‌داری یا ممکن است افراد باشند و یا اینکه هر دو. مثلاً در مورد مسئله آلودگی هوا هم افرادی که با اتومبیل‌های تک‌سرنشین به خیابان می‌آیند می‌توانند مقصران مسئله باشند و هم سیستم حمل‌ونقل عمومی.

ساختن راه‌حل‌ها

آخرین اقدام در ساختن مسائل اجتماعی ساختن راه‌حل‌هاست. یعنی باید راه‌حل‌های مسئله ارائه شود. تمام راه‌حل‌های مسائل اجتماعی عبارت از تغییر اجتماعی‌اند و دو نوع کلی از تغییرات اجتماعی و راه‌حل‌ها وجود دارد تغییرات فردی و تغییر سیاست‌های عمومی.

نظریه ادعا سازی مسائل محیط‌زیستی هانیگان

به عقیده هانیگان (۱۳۹۴) حرف اصلی در مباحثات بر ساخت موضوعات و مشکلات زیست‌محیطی، این است که پیدایش یا افول موضوعات و مشکلات محیط‌زیست تابع

اصول، ضوابط و معیارهای ثابت و غیراجتماعی نیست بلکه شیوع آنها به طور مستقیم به موفقیت ادعاهای گروهی از کنشگران اجتماعی مانند فعالان محیط زیست، روزنامه نگاران، سیاستمداران و دانشمندان بازمی گردد. به عقیده هانیکان مشکلات زیست محیطی مانند سایر مسائل اجتماعی منشأ اجتماعی دارند با این تفاوت که مشکلات زیست محیطی مانند مسمومیت ناشی از آفت کش ها یا گرمایش زمین به طور مستقیم به یافته های علمی مربوط هستند (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

به عقیده هانیکان ادعاسازان مسائل زیست محیطی برای تعریف مشکلات زیست محیطی و جلب توجه جامعه و ترغیب مخاطبان برای اقدام، باید درگیر انواعی از فعالیت ها شوند. برخی از فعالیت ها به تعاریف جمع از مشکلات و برخی به چاره اندیشی عملی جامعه مربوط می شوند. به طور کلی، ادعاسازان برای بر ساخت یک مسئله زیست محیطی سه کار اصلی را باید انجام دهند که عبارت اند از: تجمیع ادعاهای زیست محیطی، ارائه ادعاهای زیست محیطی و رقابت ادعاهای زیست محیطی (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

تجمیع ادعاهای زیست محیطی: منظور از تجمیع ادعاهای زیست محیطی کشف و شرح اولیه مشکل است. در این مرحله باید سه اقدام اساسی انجام داد: ۱- کشف، تعریف و شرح دقیق مسئله. ۲- تعیین مبنای علمی، فنی، اخلاقی یا قانونی برای ادعاها و ۳- تعیین اینکه چه کسی بهتر می تواند مشکل را حل کند. (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

ارائه ادعاهای محیط زیستی: ادعاسازان در راستای ارائه مسئله محیط زیستی دو مأموریت دارند: یکی جلب توجه عموم مردم و دیگری مشروع سازی ادعاهایشان (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

رقابت ادعاهای محیط زیستی: اگرچه حمایت علمی و توجه رسانه ها همچنان بخشی مهم از فرایند ادعا را تشکیل می دهند اما ادعاسازان مسائل محیط زیست باید به رقابت در عرصه سیاست پردازند که البته این کار در جریان سیاست گذاری های سیاسی کاری ظریف است. متخصصان محیط زیست باید ماهرانه طرح های خود را به کمک آن دسته گروه های

ذینفع و اغلب متعارض سیاسی جلو ببرند که هریک قادرند طرح را به تأخیر بیندازند و مستهلک کنند. سیاست‌های عمومی محیط‌زیست به ندرت از فرایند عقلانی شناسایی مشکل و تطبیق راه‌حل مناسب و دقیق منتج می‌شوند. بیشتر سیاست‌ها به تدریج در نتیجه مجموعه‌ای پیچیده از چانه‌زنی‌ها و مصالحه‌ها که بازتاب تعصبات، اهداف و تقویت نیازهای سازمان‌های ذی‌ربط، انجمن‌ها و کارفرمایان سیاسی بلندپرواز است بوجود می‌آیند (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

مخاطبان ادعاهای زیست‌محیطی: موفقیت یک ادعای زیست‌محیطی علاوه بر مهارت ادعاسازان و شرایط خود ادعا ممکن است به زندگی مخاطبانی نیز که در اثر آن ادعا بسیج شده‌اند مرتبط باشند. مشکلی که از نظر مخاطبان قابل پیگیری باشد هم رشد می‌کند و هم می‌تواند توجیحات سیاسی جلب کند. معمولاً ادعاهای زیست‌محیطی خیلی پیچیده و آنهایی که مخاطبان را مجبور می‌کند که یک سبک زندگی مهم را کنار بگذارند مورد قبول مخاطبان واقع نمی‌شود (هانیکان، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

نظریه چارچوب سازی^۱ اسنو و بنفورد

استفاده از مفهوم چارچوب در مطالعه جنبش‌های اجتماعی اولین بار از آثار گافمن اقتباس شد به عنوان الگوی تفسیری که افراد را قادر به دریافت، تشخیص و برچسب‌زنی رویدادها می‌سازد (Benford & Snow, 2000: 2). چارچوب‌ها به رویدادها معنا می‌بخشند و موجب سازمان‌دهی تجارب می‌شوند و راهنمای اعمال هستند. بر اساس تئوری چارچوب مردم تمایل دارند به تجربیاتشان با مرتبط کردن آن با الگوهای قبلاً شناخته شده نظم بدهند و افراد عناصر جدید را با ارجاع به ساختار شناختی از قبل موجود درک می‌کنند. متفکران جنبش‌های اجتماعی این کار معنی‌دهی و برساخت معنا را چارچوب

1. Framing

سازی نامیدند (2: Benford & Snow, 2000). یک چارچوب مجموعه به هم مرتبط از مقولات و برجسب‌ها برای تفسیر یک مسئله است.

اسنو و بنفورد تئوری چارچوب سازی را در جنبش‌های اجتماعی مطرح کردند. به عقیده آنها چارچوب‌های کنش جمعی این کارکرد تفسیری را با ساده‌سازی و متراکم سازی جنبه‌های مختلف جهان بیرون انجام می‌دهند اما به شیوه‌هایی که به بسیج هواخواهان بالقوه پردازند به منظور افزایش حمایت مخاطبان و متفرق کردن مخالفان (Benford & Snow, 2000: 4). بنابراین می‌توان گفت که چارچوب‌های کنش جمعی مجموعه‌های کنش محور هستند متشکل از باورها و معانی که الهام‌بخش اعمال و کمپین‌های جنبش‌های اجتماعی هستند. چارچوب‌های کنش جمعی توسط طرفداران جنبش با مذاکره بر سر درک مشترک برخی شرایط مشکل‌زا یا شرایطی که به نظر آنها باید تغییر کند برساخته می‌شود. در واقع، چارچوب‌های کنش جمعی مفصل‌بندی مجموعه‌ای از تنظیمات برای برانگیختن افراد به کنش جهت ایجاد تغییرات است (4: Benford & Snow, 2000).

علاوه بر اهمیت چارچوب سازی عامل مهم دیگر در برساخت موفق مسئله توسط فعالین جنبش و جذب مخاطبان، رزونانس فرهنگی چارچوب برساخته شده با اجتماع محلی و جامعه بزرگ‌تر است (10: Benford & Snow, 2000). رزونانس فرهنگی عامل مهمی در موفقیت یک چارچوب است و کاربرد یک چارچوب را به دلیل احساس طبیعی و آشنا بودن آن با فرهنگ جامعه افزایش می‌دهد. به عقیده اسنو و بنفورد رزونانس فرهنگی یک چارچوب شامل هماهنگی چارچوب با باورها و ارزش‌ها، تجربیات روزمره افراد، روایت‌ها و اسطوره‌های مسلط آن جامعه است (15: Benford & Snow, 2000). به‌طور کلی، می‌توان گفت که در چارچوب سازی موفق چارچوب‌های برساخته شده توسط فعالان جنبش با تم‌های فرهنگی جامعه رزونانس دارند. منظور از تم‌های فرهنگی، معانی فرهنگی، تصاویر و احساسات و نگرش اولیه به جهان هستند که به‌طور گسترده در جامعه مشترک‌اند (15: Jasper & Poulsen, 1995).

روش تحقیق

در این پژوهش از روش مطالعه موردی استفاده شد. مطالعه موردی، مطالعه موضوعی بحث‌برانگیز از طریق بررسی یک یا چند مورد درون یک سیستم محدود (یک محیط یا یک بافت) است. مطالعه موردی یک روش‌شناسی، نوعی طرح کیفی یا یک ابزار مطالعه و همچنین نوعی خروجی پژوهش است. مطالعه موردی رویکردی کیفی است که در آن پژوهش‌گر طی زمان به بررسی یک سیستم محدود (یک مورد) و یا چندین سیستم محدود (چند مورد) می‌پردازد و این کار را با گردآوری داده‌های تفصیلی و عمیق از مآخذ اطلاعاتی چندگانه (مشاهده، مصاحبه، مطالب دیداری و شنیداری و اسناد و گزارش‌ها) و ارائه توصیفی از مورد و مضمون‌های مبتنی از مورد انجام می‌دهد (کرسول، ۱۳۹۴: ۹۸).

انواع مطالعه موردی را می‌توان به مطالعه موردی محدود (یک مورد) و یا مطالعه موردی چندگانه (چند مورد) برحسب هدف تحلیل موردی دسته‌بندی کرد (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۰۰). در تحلیل موردی محدود پژوهش‌گر بر یک موضوع بحث‌برانگیز یا مسئله متمرکز می‌شود و سپس یک مورد محدود و منفرد را برای به تصویر کشیدن این موضوع بحث‌برانگیز انتخاب می‌کند. در مطالعه موردی چندگانه یا مطالعه موردی جمعی یک موضوع بحث‌برانگیز یا مسئله انتخاب می‌شود اما پژوهشگر مطالعات موردی چندگانه‌ای را برای روشن کردن این موضوع بحث‌برانگیز انتخاب می‌کند. کرسول (۱۳۹۴) برای مطالعه موردی مراحل زیر را در نظر می‌گیرد:

۱- نخست پژوهش‌گر باید تعیین کند که آیا روش مطالعه موردی برای مسئله پژوهشی او مناسب است یا خیر. مطالعه موردی زمانی مناسب است که پژوهش‌گر موردهای مشخص و محدودی در اختیار داشته باشد و درصدد فهم عمیق این موردها یا مقایسه چندین مورد باشد. در این پژوهش از روش مطالعه موردی استفاده شد زیرا در پی ارائه توصیفی عمیق از موضوعی خاص و بحث‌برانگیز یعنی تونل‌های انتقال آب و مقاومت‌های محلی در برابر آن در ایران بودیم.

۲- پس از این مرحله پژوهش گر باید مورد یا مورد هایش را شناسایی و مشخص کند. ممکن است این موردها یک یا چند فرد، یک یا چند برنامه، رویداد یا فعالیت باشند. در انتخاب مورد مطالعه گونه‌های زیادی از نمونه‌گیری هدفمند در دسترس است. اما بهتر است که موردها را بر اساس اینکه نشان‌دهنده نگاه‌های متفاوت به مسئله، فرآیند یا رویداد مدنظر باشند انتخاب کرد که نمونه‌گیری حداکثر هدفمند نامیده می‌شود. اما می‌توان موردهای معمولی، در دسترس و موردهای غیر معمول را هم انتخاب کرد. در این پژوهش از مطالعه موردی محدود استفاده شد تا بتوانیم یک مورد را به‌طور همه‌جانبه بررسی کنیم. انتخاب مورد در این پژوهش بدین ترتیب بود که پژوهش گر با بررسی کارزارهای موجود در حوزه آب و مشورت با متخصصان و فعالان حوزه آب در ایران مورد جنبش بهشت‌آباد را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کارزارهای موجود در حوزه آب در سال‌های اخیر انتخاب کرد.

۳- گردآوری داده‌ها در پژوهش موردی نوعاً گسترده و شامل چندین مآخذ اطلاعاتی مانند مشاهده، مصاحبه، مطالعه اسنادی و مطالب دیداری و شنیداری است. (ین ۲۰۰۳ به نقل از کرسول، ۱۳۹۴) ۶ نوع شیوه گردآوری داده را در مطالعه موردی توصیه می‌کند: مطالعه اسناد، اطلاعات آرشیوی، مشاهده مستقیم، مشاهده مشارکتی و مصنوعات. در این پژوهش هم به‌منظور گردآوری داده‌ها از روش‌های مطالعات اسنادی و مشاهده استفاده شد. اسناد مورد بررسی شامل انواع نامه‌ها، مقالات، برنامه‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها، گزارش‌ها و پست‌های فعالان جنبش در کانال‌ها و گروه‌های تلگرام می‌باشد.

همچنین از روش مشاهده مستقیم و تا حدودی مشاهده مشارکتی هم استفاده شد. بدین ترتیب که پژوهشگر با عضویت در گروه‌های تلگرامی که فعالان جنبش در آنها فعالیت می‌کردند به مشاهده پرداخت. علت مشاهده گروه‌ها در فضای مجازی و همچنین گردآوری اسناد از فضای مجازی به چند دلیل بود. اول اینکه امروزه به علت آزادی‌هایی که در فضای مجازی وجود دارد و اینکه رسانه‌های اجتماعی این امکان را که جنبش‌ها بتوانند با مخاطبان گسترده در ارتباط باشند را فراهم کرده‌اند، اکثر فعالیت‌های جنبش‌های

اجتماعی در رسانه‌های اجتماعی انجام می‌شود تا در دفاتر رسمی آنان. علاوه بر این به علت اینکه نسبت به فعالان جنبش‌های محیط‌زیستی در ایران حساسیت زیادی به لحاظ امنیتی وجود دارد فعالان جنبش فعالیت‌های خود را در شبکه‌های اجتماعی انجام می‌دهند. بنابراین به دلایلی که ذکر شده یعنی دسترسی به مخاطبان گسترده و امکان گمنامی و آزادی عمل در فضای مجازی کانون کارزارهای محیط‌زیستی امروزه در رسانه‌های اجتماعی مانند تلگرام و اینستاگرام است. علاوه بر این شرایط کلی، به دلیل شیوع ویروس کرونا در سال ۱۳۹۹ و ممنوعیت ارتباطات اجتماعی فعالیت جنبش‌های محیط‌زیستی از جمله کارزار بهشت‌آباد در فضای مجازی انجام می‌شد و تمام اطلاعات مربوط به جنبش از طریق گروه‌های تلگرامی در اختیار اعضا قرار داده می‌شد. بنابراین فضای مجازی به مکان مناسبی برای گردآوری داده‌ها تبدیل شده بود. از طرف دیگر به علت شیوع ویروس کووید ۱۹ در کشور امکان سفر به استان چهارمحال و بختیاری به منظور گردآوری داده‌ها برای پژوهش‌گر وجود نداشت.

۴- مرحله بعد تحلیل داده‌هاست. تحلیل داده‌ها در این روش می‌تواند از نوع تحلیل کل‌نگر یا مطالعه کل مورد یا تحلیل درونی یعنی تحلیل یک بعد خاص مورد مدنظر باشد (کرسول، ۱۳۹۴:۱۸۲). بر اساس مجموعه داده‌ها نوعی تحلیل تفصیلی از موارد ارائه می‌شود که در آن پژوهشگر ابعادی مانند سرگذشت مورد یا ترتیب زمانی رویدادها و فعالیت را به تفصیل توضیح می‌دهد. پس از این توصیف، پژوهش‌گر می‌تواند به موضوع بحث‌برانگیز عمده بپردازد. پژوهش‌گر می‌تواند به چندین موضوع بحث‌برانگیز عمده یا تحلیل مضمون بپردازد. البته نه برای تعمیم بلکه برای فهم پیچیدگی مورد. یک استراتژی تحلیلی در اینجا می‌تواند شناسایی و تعیین موضوعات بحث‌برانگیز درون هر مورد و سپس پرداختن به مضامین مشترک میان موردها باشد.

وقتی چندین مورد انتخاب شده باشد یکی از قالب‌های معمول این است که نخست توصیفی از هر مورد و مضامین درون آن ارائه شود که تحلیل درون موردی نامیده می‌شود. سپس یک تحلیل از همه موردها صورت گیرد که تحلیل میان موردی نامیده می‌شود

(کرسول، ۱۳۹۴:۱۰۲). با توجه به آنچه گفته شد می‌توان بر اساس مدل کرسول مراحل زیر را در تحلیل پژوهش‌های مطالعه موردی در نظر گرفت:

- ۱- ارائه توصیفی از بستر یا محیط مورد مطالعه
- ۲- توصیف هر کدام از موارد به صورت جداگانه
- ۳- استخراج مقولات و مضامین مربوط به هر مورد و شرح کامل آن‌ها
- ۴- تفسیر پژوهش‌گر: به معنی مقایسه موارد باهم و مشخص کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های موارد

در این پژوهش تحلیل داده‌ها بر اساس رویکرد کرسول انجام شد. یعنی ابتدا شرحی از پروژه‌های انتقال آب در ایران ارائه شد. سپس توصیفی از مورد پژوهش یعنی تونل بهشت‌آباد ارائه شد. سپس مضامین مربوط به داده‌های پژوهش ارائه و شرح داده شد. در این پژوهش به دلیل آنکه مطالعه موردی از نوع محدود یا تک موردی بود مرحله چهارم یعنی تحلیل میان موردی و مقایسه موارد را نداشتیم و صرفاً تحلیل درون موردی انجام شد.

یافته‌های تحقیق

انتقال آب بین حوضه‌ای

انتقال آب بین حوضه‌ای در واقع فرآیند برداشت منابع آب در طول سال با استفاده از حفر تونل، آبراهه یا لوله بوده که باهدف انتقال فیزیکی آب از نواحی با توان هیدورلیکی نسبتاً خوب (حوضه مبدأ) به سایر نواحی با کمبود آب (حوضه مقصد) انجام شده و پاسخی به مسئله توزیع جمعیت انسانی است که با اهداف تأمین نیازهای انسانی در برابر افزایش تقاضا، بهبود کیفیت زندگی و تغییر الگوی زیست اجرا می‌شوند (رحیمی زاده و بزرگ زاده، ۱۳۹۷: ۲). اگرچه قدمت انتقال آب به صدها سال پیش برمی‌گردد ولی ضرورت طرح این موضوع از ۲۰۰ سال پیش تاکنون بیشتر احساس شده است. اوج طراحی و اجرای

پروژه‌های بزرگ انتقال آب در کشورهای صنعتی پیشرفته به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مربوط می‌شوند. اما امروزه با پیشرفت اجرایی پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای در جهان به تدریج پیامدها و آثار منفی آن بروز کرده است.

در ایران طرح‌های انتقال آب از قدیم مورد توجه بهره‌برداران از آب بوده است. نخستین بار در دوران حکومت شاه‌عباس صفوی و در سال ۱۰۱۲ هجری شمسی، بحث انتقال آب کارون به زاینده‌رود مطرح شد و او جهانگیرخان بهرامسری را مأمور بررسی این موضوع کرد. هرچند که طرح اندکی جلو رفت و گردنه کوه‌رنگ به چلگرد نیز شکافته شد، با مرگ شاه‌عباس این طرح ناتمام باقی ماند. در نهایت این طرح در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی با نام طرح کوه‌رنگ ۱ به بهره‌برداری رسید. در سال‌های اخیر در ایران نیز به دلیل کمبود و توزیع نامناسب منابع آبی تمایل زیادی به انجام طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای دیده می‌شود که اکثر این پروژه‌ها به لحاظ فنی عملی بوده ولی بدون در نظر گرفتن مسائل محیط‌زیستی تأیید و اجرا شده‌اند.

همچنین آمارهای مستند و در دسترس در خصوص حجم، هزینه و شرایط اجرایی این طرح‌ها در دسترس نمی‌باشد، اکثر پروژه‌ها در مسافت‌های طولانی و با احداث تونل همراه بوده که علاوه بر تخریب محیط‌زیست بدون در نظر گرفتن نیاز آبی مناطق مبدأ و مقصد طرح‌ریزی شده‌اند. همچنین ظرفیت آبی انتقالی که در مشخصات پروژه‌های انتقال آب به چشم می‌خورد برای اهداف شرب ذکر شده‌اند و این در حالی است که ظرفیت آبی مورد بحث چند برابر نیاز شرب منطقه و ظاهراً برای نیل به اهداف کشاورزی می‌باشند که ردپای سیاست را در خود نشان می‌دهند (صالحی، ۱۳۹۶: ۱۴۰). هر سال طرح‌های انتقال آب زیادی با پشتوانه قدرت و نفوذ سیاسی از سوی نمایندگان استان‌های خشک و نیمه‌خشک به دولت ارائه می‌شود. این طرح‌ها به‌طور کلی در شرایطی بیان می‌شوند که در صورت مصرف صحیح از آب در دسترس در استان‌های مقصد نیاز به انتقال آب کاهش می‌یابد. گرچه راه‌حل انتقال آب می‌تواند روشی برای کاهش اثرهای کمبود آب در استان‌های مقصد باشد، اما به‌طور معمول جامع‌نگری در اجرای این گونه طرح‌ها مورد

غفلت قرار می‌گیرد (رحیمی زاده و بزرگ حداد، ۱۳۹۷: ۸). جدول زیر مهم‌ترین طرح‌های انتقال آب در ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱ - مهم‌ترین طرح‌های انتقال آب در ایران

سال بهره‌برداری	مصرف ^۱	ظرفیت انتقال (میلیون متر مکعب در سال)	طول انتقال (کیلومتر)	حوضه/منطقه مقصد	حوضه/منطقه مبدأ	طرح
در حال ساخت	ش - ک	۸۰۰	۶۵	اصفهان، یزد، کرمان	چهارمحال و بختیاری	بهشت آباد
۱۳۷۸	ش	۲۰۰	۲۲	تبریز	میانواب	تبریز
---	ک	۲۸۰	۱۱۱	مازندران	گیلان	چالوس
۱۳۸۴	ش - ص - ک	۲۰۰	۱۵	زاینده رود	دز	چشمه لنگان
---	ش	۴۵۰	۱۰	زاهدان	صیرمند	زاهدان
---	ک	۲۰۰	۴۳۸	رفسنجان	کارون	سولقان
---	ش - ک	۱۵۰	۱۸۰	تهران و قزوین	سفید رود	طاقان
۱۳۹۰	ش	۳۴۰	۲۳۰	فهرود	دز	فهرود
---	ش	۴۲	۱۹۵	کاشان	زاینده رود	کاشان
۱۳۲۲	ش - ص - ک	۳۰۰	۲۱۸	زاینده رود	کارون	کوهنگ ۱
۱۳۶۴	ش - ص - ک	۱۶۰	۲۱۸	زاینده رود	کارون	کوهنگ ۲
در دست ساخت	ش - ص - ک	۲۶۰	۲۲۴	زاینده رود	کارون	کوهنگ ۳
۱۳۴۳	ش	۳۰	۲۰۰	تهران	هراز	تاز
---	ک	۹۵۰	۴۵۰	گلستان	مازندران	مازندران
---	ش	۱۸۲	۷۴۴	شهرهای جنوبی	کارون	محرم
در دست ساخت	ش	۷۵	۹۵	کرمان	خلیل رود	خلیل رود
۱۳۷۸	ش	۹۰	۳۳۵	یزد	زاینده رود	یزد

ش: شرب، ک: کشاورزی، ص: صنعت

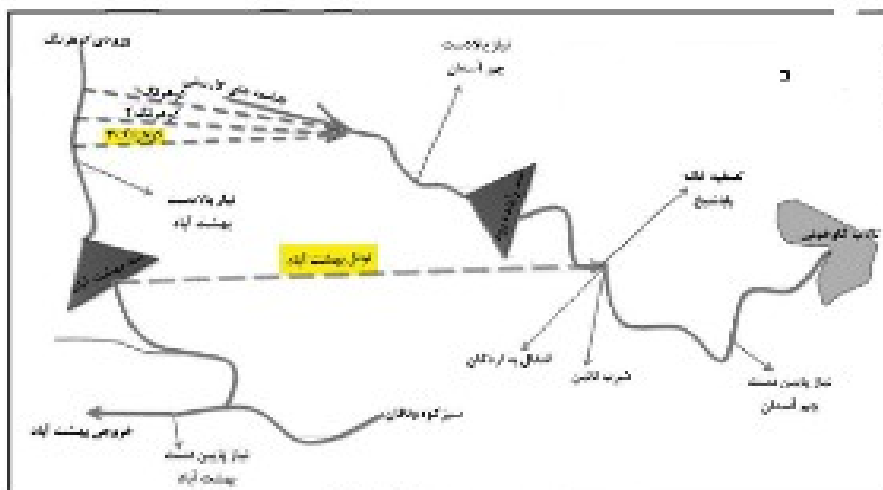
منبع: رحیمی زاده و بزرگ حداد، ۱۳۹۷

تونل بهشت‌آباد

طرح انتقال آب از حوضه بهشت‌آباد به فلات مرکزی در سال ۱۳۸۹ از جانب وزارت نیرو به منظور تأمین بخشی از نیازهای آب شرب تا ۳۵ سال آینده استان‌های اصفهان، یزد و کرمان مطرح گردید و بر اساس آن مقرر شد، آبی به میزان ۵۸۰ میلیون مترمکعب در سال، از حوضه بهشت‌آباد استان چهارمحال و بختیاری سرشاخه اصلی

کارون به استان‌های اصفهان، کرمان و یزد منتقل شود و اعلام شد در قسمت پایین دست محل تلاقی دو رودخانه کوه‌رنگ و بهشت‌آباد در حوالی شهر اردل، سد مخزنی با ارتفاع ۱۸۴ متر و با حجم تقریبی دو میلیارد مترمکعب احداث و تونلی به صورت خط مستقیم با طول ۶۵ کیلومتر، با عمق حداقل ۳۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از منتهی‌الیه مخزن سد تا حوالی باغ بهادران در اصفهان حفاری شود تا آب بهشت‌آباد به زاینده‌رود سرازیر گردد. این طرح همچنین شامل ۶ تونل دسترسی به طول ۱۲ کیلومتر نیز می‌باشد که هر کدام به تنهایی پیامدهای زیست‌محیطی فراوانی به دنبال خواهند داشت (داس مه، ۱۳۹۹: ۹).

شکل ۱- شمای کلی طرح انتقال آب بهشت‌آباد



منبع: روفی، ۱۳۹۴

این طرح از همان ابتدا اعتراضات وسیعی را در میان متخصصان، دانشگاهیان، فعالین سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی و مردم محلی برانگیخت. بطوریکه در نتیجه فعالیت‌های آنان راهپیمایی مردمی با مشارکت بالای مردم در سال ۱۳۹۳ در شهرکرد انجام شد که منجر به تعطیلی تونل و توقف پروژه شد. با وجود این در فروردین ۱۳۹۹ مجدداً عوامل تونل

اقدام به تجهیز کارگاه و فعالیت برای احداث تونل کردند. این اقدام مجدداً منجر به شکل‌گیری مقاومت مردمی در استان چهارمحال و بختیاری شد و اقدامات اعتراضاتی متعددی توسط فعالین سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی، مقامات و مسئولان استانی و مردم محلی انجام شد که در نهایت منجر به تعطیلی کارگاه و توقف احداث تونل شد. در ادامه به بررسی چگونگی برساخت مسئله توسط فعالین جنبش در سال ۱۳۹۹ می‌پردازیم. مهم‌ترین مقولات برآمده از داده‌های این پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲ - مقولات حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

مضمون‌ها	مقوله‌ها	کدها
برساخت عقلانی مسئله	چارچوب محیط‌زیستی	نابودی منابع آب، فعال شدن گسل‌ها، نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، آلودگی هوا
	چارچوب اقتصادی	نابودی کشاورزی، بیکاری و مهاجرت، پرهزینه بودن تونل
	چارچوب بی‌عدالتی	تبعیض زیست‌محیطی، تبعیض قومیتی
	چارچوب قانونی	عدم مجوز محیط‌زیست، شکستن پلمپ تونل، عدم رعایت قوانین بین‌المللی
برساخت روانی مسئله	بی‌اعتباری ادعاهای رقیب	بی‌اعتباری کمبود آب شرب در مقصد، بی‌اعتباری آب مازاد در مبدأ
	تجربه زیسته مردم	احساس تبعیض، فقر و محرومیت، گذشته باشکوه
	تقابل‌های دوتایی	فلسطین / اسرائیل، امام حسین / یزید، زاگرس‌نشینان / کویرنشینان
برساخت عملی مسئله	پیامدهای ناگوار	تونل قمرود، تونل کوه‌رنگ ۳
	رهبری کارزماتیک	فعالیت‌های خیره‌ای، فعالیت‌های زیست‌محیطی، فعالیت‌های مذهبی، پیوند عاطفی با مردم
	جلب حمایت سیاست‌گذاران	حمایت مقامات محلی، حمایت مقامات کشوری
	غیرسیاسی کردن جنبش	پایبندی به ارزش‌های انقلاب، مشارکت جانبازان و خانواده شهدا
	فتح سنگر به سنگر	اطلاع‌رسانی وسیع، تجمعات محدود، تجمعات گسترده
	استفاده از رسانه‌های مختلف	رسانه‌های مجازی، رسانه‌های سنتی

برساخت عقلانی مسئله

برساخت عقلانی مسئله شامل استدلال‌ها و دلایل عقلانی و منطقی است که ادعاسازان به‌منظور متقاعدسازی مخاطبان به کار بردند. بدین معنی که ادعاسازان جنبش با بکار بردن استدلال‌های منطقی و عقلانی سعی کردند مردم و سیاست‌گذاران را متقاعد کنند که با مشکل مهمی مواجه‌اند که نیازمند اقدام فوری است.

چارچوب محیط‌زیست

فعالان جنبش با برساخت چارچوب محیط‌زیست سعی در آگاه کردن مردم منطقه از تأثیرات مخرب تونل بهشت‌آباد بر محیط‌زیست منطقه و اقیانوس آنها برای پیوستن به جنبش دارند و بدین منظور ادعای خود را از چند جنبه بیان می‌کنند. اولین مقوله در چارچوب محیط‌زیست نابودی منابع آب است. فعالان جنبش همواره بر تأثیر تونل بهشت‌آباد در خشکی چشمه‌ها، رودخانه‌ها، چاه‌ها و به‌طور کلی تمامی منابع آبی که در مسیر این تونل است و نیمی از استان را شامل می‌شود تأکید می‌کنند.

«درست از ورودی تونل حدود ۳۵ کیلومتر به اطراف تونل و به طول ۶۷ کیلومتری آن و عمق ۱۵۰۰ متری باشد کم و زیاد، تخریب، خشک و بسیار کم آب می‌شوند، و زهکشی آب‌های سطحی و زیرسطحی و قطع رگه‌های آب‌های زیرزمینی چشمه‌ها شروع و تا انتها و خروجی تونل ادامه دارد. چشمه‌ها و منابع آب زیرزمینی بیشتر مناطق مرکزی استان چهارمحال بختیاری در خطر خشک شدن کامل قرار می‌گیرند. بعد از افتتاح سد و تونل جهنمی و شوم بهشت‌آباد با بحران شدید آب شرب و جیره‌بندی همیشگی در استان روبرو خواهیم شد و شهرکاج در دریاچه سد غرق و نابود می‌شوند» «فعال جنبش».

مقوله دیگر امکان فعال شدن گسل‌های در مسیر تونل و ایجاد زمین‌لرزه در منطقه است.

«سد بهشت‌آباد درست بر روی ابر گسل زاگرس میانی در منطقه زلزله‌خیز اردل احداث می‌شود که در صورت تکمیل و بهره‌برداری از سد و تونل بهشت‌آباد، با توجه به زلزله‌خیز بودن منطقه و خاک سست و آبرفتی و رانش‌های پی‌درپی خاک، مردم منطقه با فاجعه هولناکی مواجه می‌شوند... این تونل در محلی احداث می‌شود که حساس‌ترین

گسل‌های زاگرس در آن منطقه قرار گرفته به گونه‌ای که ۴۵ گسل در مسیر بهشت‌آباد قرار دارد که ۵ مورد از آن‌ها فوق‌العاده حساس است حفاری در این مناطق به دلیل تخلیه شدن آب درون گسل‌ها و خشک شدن چشمه‌ها مشکلات زیادی را برای منطقه ایجاد خواهد کرد.» «مهدی پژوهش، عضو کمیته صیانت از آب استان».

نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری مقوله مهم دیگر است. فعالین جنبش معتقدند که با احداث تونل علاوه بر خشک شدن منابع آبی منطقه و فعال شدن گسل‌ها، منابع طبیعی و مناطق حفاظت‌شده منطقه و انواع گونه‌های گیاهی و جانوری منطقه هم نابود می‌شوند. «با اجرای طرح انتقال آب بهشت‌آباد، مناطق حفاظت‌شده تنگ صیاد، آبشار دره عشق، غرب سبزکوه و کلار، تالاب چغاخور، سولگان و مناطق قرق و شکارممنوع، تالاب گندمان، علی‌آباد، حیات وحش و تنوع زیستی و گونه‌های گیاهی و جانوری کوهستان‌های اطراف در معرض خطر جدی و انقراض قرار گرفته و اکوسیستم طبیعی و خدادادی منطقه و استان دچار تغییرات شدید اقلیمی خواهند شد.» «دکتر پژوهش، عضو کمیته صیانت از آب».

«این طرح اکوسیستم کل زاگرس میانی و دامنه‌ها و دشت‌های فرودستش در یال‌های شرقی را تغییر داده و شرایط طبیعی کل این مناطق را به هم ریخته و زندگی هزاران گونه نادر گیاهی و جانوری را نابود می‌کند» «فعال محیط‌زیست».

علاوه بر آنچه گفته شد ادعاسازان به تأثیر احداث تونل و سد بهشت‌آباد در افزایش آلودگی هوا و ریزگردها در منطقه هشدار می‌دهند.

«خشک شدن منطقه بویژه تالاب‌ها، موجب معلق شدن گردوغبار آلوده به نمک‌ها و مواد شیمیایی در هوا شده و در نتیجه آلودگی شدید هوا را به دنبال خواهد داشت و با توجه به ابعاد تونل و طول آن پیش‌بینی می‌شود، بالغ بر چهار میلیون مترمکعب نخاله و مصالح در اثر حفر تونل به درون منطقه تخلیه خواهد شد و دپوی این حجم عظیم مصالح و نخاله در طبیعت از جوانب مختلف تهدید جدی برای محیط زیست منطقه خواهد بود» «فعال محیط‌زیست».

چارچوب اقتصادی

در چارچوب اقتصادی ادعاسازان به مضرات اقتصادی که حفر تونل بهشت‌آباد به منطقه وارد خواهد آورد اشاره می‌کنند از جمله از بین رفتن کشاورزی منطقه، بیکاری، مهاجرت و آوارگی بخش زیادی از مردم استان همچنین فعالان جنبش به هزینه بسیار بالای احداث تونل اشاره می‌کنند و اینکه در مقایسه با راهکارهای جایگزین تونل مانند اصلاح الگوی کشت، تصفیه فاضلاب و حتی شیرین کردن آب دریا این طرح بسیار گران‌تر است و هزینه‌ای هنگفت را به کشور تحمیل می‌کند. بنابراین این طرح به‌هیچ‌عنوان صرفه اقتصادی ندارد.

«با اجرای این تونل نیمی از چهارمحال و بختیاری به کویر تبدیل می‌شود، زیرا در مسیر ۲۵ کیلومتری اجرای این تونل آب ۱۴۰۰ حلقه چاه، ۲۱۷ رشته قنات و ۴۵۶ چشمه زهکش از استان خارج می‌شود. معیشت ۱۹ هزار خانوار در حوزه بهشت‌آباد وابسته به کشاورزی است ... با احداث تونل بهشت‌آباد ۲۲ هزار هکتار از اراضی کشاورزی در این منطقه خشک می‌شود» طاهر نوریبخش، دبیر اجرایی خانه کشاورز چهارمحال و بختیاری.

«آبگیری سد بهشت‌آباد، از یک طرف باعث زیر آب رفتن شهر کاج و سه روستای بهشت‌آباد، شیخ محمود و سنگ پیل و نیز تعداد ۴۶ واحد پرورش ماهی با مساحتی حدود ۱۵/۴ هکتار خواهد شد و علاوه بر بالاتر رفتن آمار بیکاری در منطقه، سکنه آبادی‌های موصوف، خان و مان خود را از دست خواهند داد. و از طرف دیگر آب مورد نیاز در نیروگاه سدهای کارون ۵، کارون ۴، کارون ۳، کارون ۲، کارون ۱ (شهید عباسپور)، لدار لندر و گتوند علیا تأثیر گذاشته و باعث کاهش انرژی تولیدی کل و مطمئن این سدها می‌شود و از این بابت خساراتی جبران‌ناپذیر و هنگفتی را به اقتصاد کشور تحمیل خواهد نمود... کاهش چشمگیر پتانسیل توسعه در منطقه در اثر اجرای طرح، کاهش رغبت در سرمایه‌گذاری، تنزل رونق اقتصادی منطقه را به دنبال خواهد داشت، که این خود مشکل عظیمی بوده و زمینه مشکلات اجتماعی گسترده‌ای را فراهم خواهد نمود... افزایش نرخ بیکاری ناشی از اجرای طرح، موجب مهاجرت بی‌رویه مردم منطقه جهت تأمین منبع معیشت به مناطق دیگر خواهد شد، که این امر نیز مشکلات اجتماعی خاص خود را به دنبال خواهد داشت» فعال جنبش.

چارچوب قانونی

همانطور که در ابتدای این بخش ذکر شد در سال ۱۳۹۳ به علت اعتراضات گسترده مردمی و طبق نظر مجامع رسمی کشور از جمله سازمان بازرسی کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس مبنی بر پیامدهای فاجعه بار احداث تونل بهشت آباد این تونل به طور قانونی پلمپ و تعطیل شد. با وجود این در فروردین ۱۳۹۹ در اوج بحران کرونا و تعطیلی بخش قابل توجهی از کشور، اداره آب منطقه‌ای استان اصفهان اقدام به بازگشایی و حفاری تونل نمود که همان طور که گفتیم منجر به شکل‌گیری جنبش مردمی در اعتراض به آن شد. فعالین جنبش همواره بر غیرقانونی بودن این پروژه به دلیل اینکه فاقد مجوز محیط‌زیست است و هم اینکه از طرف نهادهای رسمی مانند سازمان بازرسی کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس رد شده است و غیرقانونی بودن شکستن پلمپ تونل و از سرگیری حفاری تأکید داشتند.

«واقعیت این است که مافیای آب و مجریان طرح، نه رعایت معیارهای حفاظت از محیط‌زیست را نموده‌اند و نه عنایتی به حقوق الناس و قاعده‌لاضرر داشته‌اند و نه علل موجهه طرح را از زوایای مختلف فنی، اقتصادی، اجتماعی، توسعه پایدار، منافع ملی و غیره مورد توجه قرار داده‌اند و از هر نظر گوی سبقت در قانون شکنی را ربوده‌اند، با این اوصاف طرح بهشت‌آباد ضمن اینکه از طرف مراجع رسمی از جمله سازمان بازرسی کل کشور و مرکز پژوهش‌های مجلس مورد مخالفت شدید قرار گرفته و غیرقانونی اعلام شده است، در نظام حقوقی ایران فاقد جایگاه موجهی بوده و اجرای آن اقدامی غیرقانونی و نامشروع تلقی می‌شود.» «سپهری، وکیل جنبش».

علاوه بر غیرقانونی بودن حفر تونل به سبب آنکه فاقد مجوز سازمان محیط‌زیست است و همچنین توسط سازمان بازرسی کل کشور هم ممنوع شده است، فعالین جنبش بر این تأکید دارند اجرای این تونل قوانین بین‌المللی از جمله شروط یونسکو برای انتقال آب بین حوضه‌ای را هم نقض کرده است. یونسکو برای انتقال آب بین حوضه‌ای ۵ شرط در نظر گرفته است که عبارت‌اند از:

* معیار ۱: ناحیه مقصد بایستی، در صورت استفاده از منابع جایگزین تأمین آب و تمامی اقدامات منطقی برای کاهش تقاضای آب، باز هم در تأمین نیازهای فعلی و پیش‌بینی‌شده، کمبود جدی داشته باشد.

* معیار ۲: توسعه آتی حوضه مبدأ بایستی به سبب کمبود آب، با محدودیت چشمگیر روبرو شود.

* معیار ۳: ارزیابی جامع پیامدهای زیست‌محیطی بایستی نشان دهد که سطح معقولی از قطعیت وجود دارد که طرح انتقال به شکل اساسی کیفیت زیست‌محیطی را در حوضه مبدأ یا مقصد تخریب نمی‌کند.

* معیار ۴: ارزیابی جامع پیامدهای اجتماعی- فرهنگی بایستی نشان دهد که سطح معقولی از قطعیت وجود دارد که طرح انتقال، سبب بروز اختلال اساسی اجتماعی- فرهنگی در حوضه مبدأ یا مقصد نخواهد شد.

* معیار ۵: منافع خالص ناشی از اجرای طرح بایستی عادلانه میان حوضه‌های مبدأ و مقصد تقسیم شود.

به عقیده ادعاسازان در طرح بهشت‌آباد هیچ کدام از معیارهای یونسکو رعایت نشده است. در حوضه مبدأ (استان اصفهان) تلاش‌هایی برای تأمین آب مورد نیاز از سایر روش‌های به‌صرفه‌تر (اصلاح الگوی کشاورزی و بازیابی آب مصرف‌شده، ممانعت از کشت محصولات آب بر مانند برنج) نشده است. همچنین احداث این تونل موجب خسارات جبران‌ناپذیری به حوزه مبدأ (استان چهارمحال و بختیاری) خواهد شد مانند خشکی رودخانه‌ها و چشمه‌ها و رودها و نابودی کشاورزی استان، کمبود آب شرب، بیکاری نیمی از جمعیت استان و... از طرفی دیگر طرح‌های انتقال آب در طولانی‌مدت به ضرر استان مبدأ (اصفهان) هم خواهد شد. زیرا انتقال آب موجب جذب جمعیت بیشتر به این استان و افزایش مشکلاتی مانند آلودگی هوا، حاشیه‌نشینی و جرم جنایت خواهد بود. بنابراین این طرح به لحاظ قوانین بین‌المللی هم ناموجه و زیان‌آور است.

چارچوب بی عدالتی

چارچوب بی عدالتی شامل تبعیض زیست محیطی و تبعیض قومیتی است. به عقیده فعالین جنبش مهم ترین مشخصه استان چهارمحال و بختیاری محرومیت است که ناشی از بی عدالتی است. در واقع می توان گفت که فعالان جنبش با تأکید بر مسئله بی عدالتی و نارضایتی هایی که در این مورد در میان مردم وجود دارد و پیوند آن با مسئله کم آبی و تونل بهشت آباد موفق به بسیج مردم محلی و افزایش مشارکت مردمی برای جلوگیری از احداث تونل شدند. بی عدالتی مفهومی است که در سراسر مباحث مطرح شده توسط فعالان جنبش وجود دارد و نقش مهمی در بسیج مردمی و اقدام برای توقف پروژه های انتقال آب از این استان دارد.

در تبعیض زیست محیطی ادعاسازان به تبعیض های مختلفی در حوزه محیط زیست اشاره می کنند که میان مردم استان چهارمحال و بختیاری و سایر نواحی کشور مخصوصاً استان اصفهان و یزد و کرمان وجود دارد.

«آیا کشاورزی غیر مدرن و برنج کاری در استان کم آب اصفهان دلیل عقلی و توجیهی دارد و تاوان آن را استان ما و حتی سایر استان ها از جمله خوزستان باید پرداخت کند؟ آیا احداث بزرگ ترین باغ خاورمیانه به قول اصفهانی ها در این شرایط چه دلیلی منطقی و قانونی دارد؟ آبیاری هزاران هزار درخت در اصفهان که هر روز رو به افزایش است و حتی حاضر به اصلاح نژاد و جایگزینی درختان کم آب تر نمی باشد دلیلش چیست» «عضو جنبش».

«چرا باید آب طبیعی شرب با هزینه سرسام آور جهت صنایع زیان ده و کشت غرقابی به کویرهای شرق اصفهان، کرمان، یزد، قم، کاشان انتقال یابد ولی زمین های مرغوب و حاصلخیز کنار رود و چشمه و کشاورز محروم و زحمتکش مبدأ (چهارمحال و بختیاری) حق برداشت آب نداشته باشد؟» «عضو جنبش».

فعالین جنبش مسئله تبعیض در حوزه آب را به مسئله تبعیض در سطح کلی و در سایر مسائل و حوزه های دیگر هم پیوند می زنند و معتقدند که نسبت به استان چهارمحال و

بختیاری و به‌طور کلی قومیت لر در همه جوانب تبعیض و بی‌عدالتی شده است و این بی‌عدالتی تنها محدود به مسئله انتقال آب نمی‌شود.

«طبق شاخص‌های آماری این استان در صدر استان‌های کمتر برخوردار، فقیر، محروم، کمتر توسعه یافته و بیکار قرار دارد. یعنی ما قطب بدبختی، مظلومیت، آوارگی و قطب بیکاری هستیم تا عنوان دل‌خوش‌کنک دولتی، مثل، گردشگری، دام‌پروری» «عضو جنبش». «والا هر جای ایران که شما بگین من رفتم. حداقل اینکه اکثراً جاده‌های دو بانده سه بانده و کار و تلاش و درآمد مردم عالی، ولی همینکه وارد مرز چهارمحال میشی فقر و بدبختی رو اول از توی جاده‌های پر چاله چوله میشی دید، خدا شاهده از دو راه فارسون که بخای بری سمت جونقون باید متوسل به تمام ائمه بشی تا به سلامت برسی. جاده بدون خط‌کشی بدون استانداردهای اولیه و... دل‌خوشی ما مردم فقط به این سرسبزی و چند صبا هوای بهاری هست که اونم میخوان به کویر تبدیلش کنن. دیگه موندم چی داریم که بهش دلمون خوش باشه» «عضو جنبش».

بی‌اعتباری ادعاهای رقیب

یکی از مراحل مهم و اساسی در بر ساخت مسائل محیط‌زیستی رقابت با ادعاهای رقیب است (هانیکان، ۱۳۹۵؛ لوزیک، ۱۳۹۱). در مورد مسئله تونل بهشت‌آباد هم ادعاسازان جنبش به شیوه‌های گوناگون با ادعاسازان رقیب (آب منطقه‌ای اصفهان و وزارت نیرو) در بر ساخت مسئله و جلب حمایت مخاطبان به رقابت برخاستند. در واقع، در این مرحله ادعاسازان جنبش اقدام به بر ساخت ضد ادعاها به منظور بی‌اعتبار کردن ادعای رقیب کردند. بی‌اعتبار سازی ادعاهای رقیب در دو محور عمده بود: ۱- کمبود آب شرب در اصفهان ۲- وجود آب مازاد در چهارمحال و بختیاری.

«برای نیاز کل آب شرب فلات مرکزی طی بیست سال آینده هشتصد میلیون مترمکعب آب شرب پیش‌بینی می‌شود این در حالی است که هم‌اکنون با سه تونل کوه‌رنگ ۱،۲،۳ در سرشاخه‌های آبریز ۹۰۰ میلیون مترمکعب آب به فلات مرکزی منتقل می‌شود. پس ضرورت انتقال آب شرب از طریق تونل بهشت‌آباد منتفی است و نیازی به اجرای تونل بهشت‌آباد نمی‌باشد... لذا با نگاه ملی و کلی نه منطقه‌ای و عدم ضرورت

تأمین آب شرب با اجرای طرح مذکور مخالفیم. مضافاً هیچ گونه آب مازادی بعد از اجرای تونل های سه گانه در چهارمحال و بختیاری وجود ندارد که بررسی های درازمدت چهل سال گذشته با حجم آب های موجود و جاری در رودخانه ها، پشت سدهای ذخیره آب اثبات شدنی است... نکته مهمی که طراحان پشت صحنه انتقال آب با تونل بهشت آباد دنبال می کنند آب کشاورزی فلات مرکزی است. آیا میلیاردها تومان هزینه بیت المال جهت انتقال آب کشاورزی به صرفه است؟ یا با توجه به نزدیکی بندرعباس به فلات مرکزی با نصب آب شیرین کن با هزینه کمتر می توان مشکل آب کشاورزی فلات مرکزی را حل کرد که نمونه آن عربستان است که از همین طریق دومین صادرکننده گندم است... نتیجتاً به دلایل ذیل طرح بهشت آباد نباید اجرا شود. ۱- استان چهارمحال و بختیاری حتی در زمان ترسالی نیز بعد از اجرای تونل های ۱ و ۲ و ۳ کوهرنگ هیچ آب مازادی ندارد. ۲- آب شرب فلات مرکزی با تونل های سه گانه قابل تأمین است. ۳- کشاورزی دو استان سرشاخه در تأمین آب کشاورزی در اولویت قرار دارند» دکتر ستاری، فعال جنبش».

تجربه زیسته مردم

به طور کلی می توان گفت مقولات برساختی فعالان جنبش هماهنگی زیادی با تجربه زیسته اجتماع محلی دارد که موضوع مهمی در برساخت موفق ادعاهاست (Snow & Benford, 1998: 205). تأکید فعالان جنبش بر بی عدالتی و تبعیض در پروژه های انتقال آب از استان، هماهنگی زیادی با تجربه زیسته مردم استان چهارمحال بختیاری دارد و همین موجب جلب مشارکت مردم این منطقه شده است. احساس تبعیض در میان مردم این استان بسیار زیاد است و آنها معتقدند که چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب همواره مورد بی توجهی مسئولان کشور قرار گرفته اند و معتقدند که بخش زیادی از این بی توجهی و محرومیت آنها به علت تبعیض قومیتی است که در جامعه وجود دارد. از طرفی دیگر رهبران جنبش به منظور جلب مشارکت مردم منطقه تأکید زیادی بر گذشته باشکوه قوم بختیاری داشتند. تأکید بر پس زمینه ایلیاتی خود و یادآوری قهرمانان و

چهره‌های نام‌آور و تاریخ‌ساز ایل بختیاری مانند سردار اسعد بختیاری، علیمردان خان بختیاری، بی‌بی مریم بختیاری، تأکید بر وقایع مهم تاریخی که به دست این قوم رقم خورد مانند جنبش مشروطه و فتح تهران، فتح اصفهان، رشادت‌های قوم بختیاری در برابر مغولان و جنگ ایران و عراق تأثیر زیادی در برانگیختن مردم محلی برای مشارکت در جنبش و مقاومت در برابر مافیای آب داشت.

«خواست مردم با اتحاد آنها عملی می‌شود شک نکنید. اینجا استان مبارزان و مدافعین وطن در طول تاریخه اینجا سرزمین پارسه و مبارزانی مثل شیر علیمردانها.. سردار اسعدها.. بی‌بی مریم‌هاست. سرتاسر شناسنامه مبارزاتی دارد. این استان در این مورد هم به پشتوانه دلیرمردان و زنانش و با یاری خدا پیروز می‌شوند» «فعال جنبش». «اینجا دیار سرداران مشروطه است. اینجا دیار سردارانی ست که روزی به اصفهان حکومت کرده‌اند. اینجا دیار سردارانی است که چه شاهانی را به کرنش واداشته‌اند. اینجا دیار شیرعلی مردان و سردار اسعد و محمدخان هم برون است. چه پرندگان مغروری که پر خود را در این دیار باج نداده‌اند. بیش از این تاریخ و اصالت، افتخار و غرورمان را لگدمال نکنید. بترسید از روزی که این مردم متوجه شوند از پی صداقتشان حيله‌ها به کار برده‌اید. ما آب و خاکمان را نمی‌فروشیم.» «فعال جنبش».

برساخت روانی مسئله

ادعاسازان جنبش به منظور متقاعدسازی مخاطبان سعی کردند که احساسات آنها را تحت تأثیر قرار دهند و با ایجاد هیجاناتی مانند ترس، اضطراب و خشم آنها را از لحاظ روانی برانگیزند.

برساخت تقابل‌های دوتایی

ادعاسازان جنبش مخالفت با تونل بهشت‌آباد با برساخت تقابل‌های دوتایی سعی در ایجاد خشم و برانگیختن مردم به منظور اقدام عملی داشتند. بدین منظور آنها از تشبیه و تقابل‌های دوتایی در سخنان خود جهت تهییج مردم استفاده می‌کردند که مهم‌ترین آن‌ها

تشبیه مردم چهارمحال و بختیاری به امام حسین و یارانش در مقابل تشبیه مافیای آب به یزید و لشگریانش و یا تشبیه چهارمحال و بختیاری به فلسطین و مافیای آب به اسرائیل و یا تقابل زاگرس نشینان و کویر نشینان است.

«حضر تونل بهشت آباد یکی از بزرگ ترین جنایات بشری در حق مردم و طبیعت می باشد و یادآور واقعه کربلا و بستن آب بر روی کاروان سیدالشهداست با فاصله تاریخی حدود ۱۴۰۰ سال. یا حسین تشنه لب. سلام بر لبان خشک کودکان. آیا قرار است واقعه کربلا در ایران امروز تکرار شود». «با همه احترام به هموطنانم و اصفهانی ها ولی مسئولین اصفهان متأسفانه مانند اسرائیلی ها در حال عمل کردن هستند. مگه اسرائیلی ها چه گفتند. گفتند توی کتاب عتیق آمده فلسطین سرزمین موعود است و شروع کردن با پول و رانت و تطمیع مردم زمین ها را خریدن و سپس گرفتن این زمین ها. اصفهانی ها هم با حقه بازی و رانت و گول زدن مردم و خرید زمین ها و دادن امتیاز به مسئولین استان دارند غالب می شوند. الآن هم در چهارمحال و بختیاری مخصوصاً با مردم بی گناه و ساده قسمت هایی از بختیاری همین کار را می کنند». «مسئولین می گویند، طبق قانون، آب و منابع انرژی انفال است و ملی و در اختیار دولت جهت تقسیم (عادلان) به ملت، چرا از این همه ثروت تولیدی در مناطق زاگرس نشین و خاک لرها فقط دربه دری، فقر و فلاکت و نداداری و حسرت و محرومیت و بیکاری سهم آنهاست و از قانون، نونش مال کویر نشینان و قافش مال زاگرس نشینان».

پیامدهای ناگوار

استراتژی دیگر به منظور تأثیر روانی بر مخاطبان، تأکید بر پیامدهای ناگوار احداث تونل است. فعالان جنبش مخالفت با تونل بهشت آباد با تأکید بر پیامدهای ناگوار ساخت تونل سعی در ایجاد ترس در مخاطبان برای انجام اقدام فوری کردند. یکی از اقدامات مهم در این زمینه مقایسه پیامدهای منفی احداث سد و تونل بهشت آباد با نمونه های فاجعه بار در سایر نقاط کشور بود مانند تونل قمرود که آب را از لرستان به قم می برد و تونل سوم کوهرنگ که آب را از کوهرنگ در چهارمحال و بختیاری به اصفهان می برد.

«مردمان الیگودرز در لرستان تاوان اشتباه و اعتمادشان به مافیای آب را با آوارگی و بی‌آبی پس می‌دهند. پس ما هم نباید اشتباه کنیم و مانند قمرود که الیگودرز را نابود کرد بگذاریم استانمان خشک و نابود شود. ما فقط و فقط خواستار تخریب تونل هستیم». «من پیشنهاد می‌کنم مردم یه سر به بیرگان بزنند و نتیجه سد بیرگان و تونل سوم کوه‌رننگ رو توی منطقه بیرگان ملاحظه کنند. نتیجه این کار خشکی تمام چشمه‌های منطقه بیرگان و در رأس اونا چشمه مروارید، خرید زمین‌های مردم توسط آب منطقه‌ای اصفهان و پرداخت نکردن پول مردم و مهاجرت مردم به روستاهای زیر دست سد است» «فعال جنبش».

به عقیده جاسپر^۱ و پولسن^۲ (۱۹۹۵) شوک‌های اخلاقی و ایجاد ترس از پیامدهای یک مسئله محیط‌زیستی می‌تواند استراتژی مؤثری در جذب مخاطبان به جنبش باشد.

رهبری کاریزماتیک

در جنبش تونل بهشت‌آباد سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های مردمی متعددی فعالیت داشتند که عبارت‌اند از: گروه مردمی جنبش مخالفت با انتقال آب تونل بهشت‌آباد، سازمان مردم‌نهاد زاگرس مهربان، کمیته صیانت از آب چهارمحال و بختیاری، سمن حامیان محیط‌زیست و منابع طبیعی آبخیزداری مشایخ بختیاری، خانه کشاورز، نظام صنفی کشاورزی و منابع طبیعی استان چهارمحال و بختیاری. باوجود این رهبری فردی و کاریزماتیک از ویژگی‌های مهم این جنبش است. در این جنبش نقش رهبری جنبش و ویژگی‌های شخصیتی و منزلت و اعتبار رهبر جنبش یعنی آقای رضویان به‌واسطه فعالیت‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و خیریه‌ای ایشان و مخصوصاً پیوند عاطفی عمیق ایشان با اعضا جنبش که به خاطر ارتباط نزدیک، همدلانه و بی‌واسطه ایشان با مردم ایجادشده بود تأثیر بسیاری در جلب علاقه و حمایت مردم داشت.

1. Jasper
2. Poulsen

بر ساخت عملی مسئله

علاوه بر به کارگیری استدلال‌های عقلانی و تأثیرات روانی، فعالان جنبش به منظور متقاعدسازی مخاطبان به اینکه با مسئله محیط‌زیستی مهمی روبرو هستند که نیازمند اقدام فوری است اقدامات عملی را هم انجام داد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

جلب حمایت سیاست‌گذاران

یکی از استراتژی‌های مهم فعالین جنبش، جلب حمایت و همکاری سیاست‌گذاران است. پلو (۱۹۹۶) و کوان (۱۹۱۸) لابی‌گری را عامل مهمی در بر ساخت موفق مسائل محیط‌زیستی می‌دانند. یافتن حامیانی درون نظام سیاسی برای همکاری با جنبش موجب می‌شود که جنبش از قدرت قانونی و سیاسی بالاتری در پیگیری مطالبات خود برخوردار شود. فعالان جنبش تلاش‌هایی را در جهت جلب همکاری و حمایت سیاست‌گذاران در سطح محلی و ملی انجام دادند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- جلب حمایت شوراهای شهرها و روستاهای استان در اعلام حمایت از جنبش و تلاش شوراها برای متقاعد کردن مقامات بلندپایه‌تر
- تشکیل کمیته صیانت از حقوق آب، خاک و منابع طبیعی استان (متشکل از سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراهای شهر و روستا استان چهارمحال و بختیاری) توسط رئیس شوراهای اسلامی استان چهارمحال و بختیاری برای ممانعت از احداث تونل.
- نامه شوراهای شهر و روستای استان چهارمحال و بختیاری به ریاست شورای عالی امنیت ملی، ریاست قوه قضائیه و اعضای کمیسیون اصل ۹۰
- دیدار اعضای شورای اسلامی استان با نماینده ولی فقیه در استان
- نامه دانشجویان فعال در جنبش به رئیس‌جمهور و درخواست توقف تونل بهشت‌آباد و ایجاد کارزاری برای گردآوری امضا از مردم
- تهیه طومار توسط جنبش مردمی مخالفت با انتقال آب و ارسال آن به دفتر رهبری و رئیس قوه قضائیه

۲۶۴ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۹، زمستان ۱۴۰۰

- جلب حمایت نمایندگان مجلس توسط فعالان جنبش و اقدامات نمایندگان استان چهارمحال و بختیاری به منظور جلب حمایت مقامات کشوری
- نامه مدیرعامل آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری به وزارت نیرو در مورد غیرقانونی بودن و ایجاد مشکلات اجتماعی و محیط‌زیستی تونل بهشت‌آباد
- نامه کمیته صیانت از آب استان و نظام صنف کشاورزی و خانه کشاورز به استاندار چهارمحال و بختیاری

- نامه ۱۷۰ فعال دانشجویی دو استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان به رئیس قوه قضائیه

- ملاقات تعدادی از فعالان جنبش با معاون سیاسی استاندار چهارمحال و بختیاری
- تهیه طومار و ارسال آن به رئیس قوه قضائیه توسط فعالان جنبش
- نامه اعتراضی خانه کشاورز استان چهارمحال و بختیاری به وزارت نیرو
- حمایت امام‌جمعه فرخ‌شهر از جنبش و درخواست از قوه قضائیه برای حمایت از مردم

- حمایت شهردار فرخ‌شهر از جنبش
- درخواست ملاقات با فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا (پیمانکار بهشت‌آباد) از سوی فعالان جنبش و مسئولان استان چهارمحال و بختیاری و پذیرش درخواست و سفر سردار سعید محمد به استان و دیدار با شورای تأمین، امام‌جمعه شهرکرد، نمایندگان مجلس، اعضای شورای استان و فعالان زیست‌محیطی

- نامه فعالان جنبش به رئیس سازمان برنامه و بودجه
- دیدار فعالان جنبش با رئیس قوه قضائیه (آقای رئیسی) در شهرکرد و تحویل طومارهای مردمی برای توقف پروژه بهشت‌آباد به ایشان
- درخواست تشکیل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی برای استیضاح وزیر نیرو به علت اجرای مخفیانه و فاقد مجوزات قانونی پروژه‌های سدسازی و انتقال آب

غیرسیاسی کردن جنبش

استراتژی مهم دیگر فعالان جنبش غیرسیاسی کردن جنبش است. فعالان جنبش با توجه به تجربیات سایر جنبش‌های محیط‌زیستی که معمولاً از سوی عوامل مافیای آب برچسب ضد نظام بودن و برانداز بودن به آنها زده‌اند و از این طریق با اتهامات سیاسی و امنیتی مانع از فعالیت آنها شده‌اند، برای ممانعت از این اتهام‌ها همواره از ابتدای فعالیت خود بر مردمی بودن و غیرسیاسی بودن فعالیت‌هایش تأکید داشته است و همواره تأکید داشته است که به هیچ جناح سیاسی و یا کشور بیگانه‌ای وابسته نیست و به ارزش‌های انقلاب اسلامی و نظام وفادار است تا هیچ بهانه‌ای برای سو استفاده و اتهام‌زنی از سوی رقیب (مافیای آب) به جنبش وجود نداشته باشد.

«رهبر عزیز، رهبر مظلومان، شخص شما فرمودید مردم مطالبات به حق دارند... این مطالبه، حق مردم استان از هر سمت و سو محروم است که با تونل جهنمی بهشت‌آباد مخالفت کنند... ما مردم غیور چهارمحال و بختیاری حق خود را مطالبه می‌کنیم حق به حق خود را... ما مردم اغتشاشگر و آشوبگر نیستیم. ما مردم وابسته به کشورهای استکباری نیستیم. ما وابسته به خون شهدا و خون دلاور مردانی هستیم که جان خود را برای این کشور و این استان فدا کردند...» «پیام فعالین جنبش به رهبری».

یکی از اقدامات مهم در این زمینه جلب حمایت خانواده شهدا و جانبازان جنگ از جنبش است تا بدین وسیله از اتهامات سیاسی و ضد نظام بودن جنبش جلوگیری شود. «هر حرکت و پیام ما با نام خدا، به یاد شهدا و زیر پرچم مقدس ایران است و هیچ اغتشاش‌گر و ضدانقلابی در بین ما جایی ندارد» «فعال جنبش». «من جانباز جنگ هستم و با پای مصنوعی آمده‌ام تا حقم را از مافیای آب که آگه گزاف نگفته باشم از بعضی‌های عراقی هم بعضی‌تر و خائن‌ترن بگیرم» «فعال جنبش». بدین منظور همواره در تمام تجمعات خانواده شهدا و جانبازان جنگ پیشاپیش مردم حرکت می‌کردند و در شعارها و پلاکاردهایشان پیام‌هایی که نشانگر همسویی آنها با نظام و رهبری و مخالفت آنها با مافیای آب است را ارائه می‌دادند.

فتح سنگر به سنگر

یکی از استراتژی‌های مهم جنبش مخالفت با تونل بهشت‌آباد استراتژی فتح سنگر به سنگر است که به معنی اقدامات مرحله‌به‌مرحله تا کسب نتیجه نهایی است که شامل سه مرحله است: اطلاع‌رسانی وسیع، تجمعات محدود و تجمعات گسترده. فعالان جنبش ابتدا کار خود را با اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم استان شروع کردند زیرا معتقد بودند علت اینکه مافیای آب تاکنون توانسته است تونل‌های زیادی در استان چهارمحال بختیاری حفر کند و منابع آب استان را غارت کند (مانند تونل‌های کوه‌رنگ ۱ و ۲ و ۳) ناآگاهی مردم منطقه بوده است. بنابراین علاوه بر اطلاع‌رسانی وسیع در فضای مجازی و تشکیل ابرگروه تلگرامی، اعضا جنبش در مناطق مختلف استان از طریق پخش تراکت، اطلاعیه و نصب بنر، همچنین به صورت چهره به چهره به اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم از آغاز به کار مجدد تونل و پیامدهای احداث تونل پرداختند. در مرحله بعدی پس از تبلیغات و آگاه‌سازی مردم، تجمعات کوچکی در برخی از شهرها و روستاهای استان برگزار شد که عبارت‌اند از: تجمع مردمی در شهر جونقان، تجمع فعالان محیط‌زیست مقابل استانداری در شهرکرد، تجمع معترضان در مقابل اداره آب منطقه‌ای استان چهارمحال و بختیاری، تجمع در شهر دستنا، تجمع در شهر خراچی. مرحله آخر برگزاری تجمعات گسترده با مشارکت وسیع مردم در شهرهای بزرگ بود مانند تجمع در فرخ‌شهر و تشکیل زنجیره انسانی در اعتراض به حفر تونل.

بنابراین با توجه به استراتژی فتح سنگر به سنگر فعالین جنبش فعالیت خود را در فضای مجازی شروع کردند و به اطلاع‌رسانی پرداختند در مرحله بعد به آگاه‌سازی مردم در سطح شهرها و روستاها پرداختند و سپس تجمعات کوچکی در نقاط مختلف استان تشکیل دادند و در نهایت تجمع چند هزار نفری در فرخ‌شهر و زنجیره انسانی برگزار کردند. در واقع آنها به صورت آرام‌آرام و مرحله‌به‌مرحله سعی کردند مردم و سیاستمداران را با خود همراه کنند.

استفاده از رسانه‌های مختلف

فعالان جنبش مخالفت با تونل بهشت‌آباد از انواع رسانه‌های مجازی و سنتی برای رساندن پیام جنبش به گوش مردم و مسئولین استفاده کردند. استفاده از انواع مختلف

رسانه‌ها موجب شد که طیف وسیعی از مردم، مسئولین و دوستان محیط زیست نسبت به فاجعه زیست محیطی تونل بهشت آگاهی یابند و جنبش بتواند مخاطبان گسترده‌ای را جذب کند. بخش مهمی از فعالیت‌های جنبش در فضای مجازی رقم خورد. مهم‌ترین گروه فعال در جنبش یعنی گروه مخالفت با انتقال آب بهشت آباد پایگاه اصلی‌اش در فضای مجازی مخصوصاً تلگرام بود. به دلیل اهمیت یافتن نقش رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی در ارتباط با بخش وسیعی از مردم و همچنین به علت شیوع ویروس کووید ۱۹ در دوران فعالیت جنبش یعنی ابتدای سال ۱۳۹۹ فعالان جنبش عمده فعالیتشان را در فضای مجازی انجام می‌دادند.

با اینکه گروه مخالفت با انتقال آب بهشت آباد دفتری در شهر جوقان داشت اما عمده فعالیتش در فضای مجازی و گروه تلگرامی جنبش با ۲۰۰۰۰ عضو بود. در واقع اکثر ارتباطات رهبران جنبش با مردم و برنامه‌ریزی‌ها و اطلاع‌رسانی از فعالیت‌ها و تجمع‌ها در گروه تلگرامی انجام می‌شد. علاوه بر این سایر سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های فعال در جنبش هم از فضای مجازی استفاده زیادی برای ارتباط با اعضا و اطلاع‌رسانی می‌کردند. مانند کمیته صیانت از آب، سازمان مردم‌نهاد زاگرس مهربان، سمن مشایخ بختیاری و خانه کشاورز استان. علاوه بر رسانه‌های مجازی فعالان جنبش از رسانه‌های سنتی مختلف مانند روزنامه‌ها و نشریات هم برای آگاه‌سازی مخاطبان و انتشار اخبار جنبش از فاجعه محیط‌زیستی بهشت آباد استفاده کردند. رسانه‌های جمعی می‌توانند مخاطبان بالقوه‌ای را در اختیار ادعاسازان قرار دهند تا آنان بتوانند پیام خود را در جمع بسیار بزرگی از مردم مطرح کنند. دلیل اهمیت طرح ادعاها در رسانه‌های جمعی این است که ادعاسازان رویاروی جمع بزرگی از مخاطبان قرار می‌گیرند. هانیگان (۱۳۹۵) هم معتقد است که زمانی یک مشکل می‌تواند به مسئله محیط‌زیستی تبدیل شود که بتواند توجه رسانه‌ها را جلب کند. در غیر این صورت یک مشکل هرچند مهم در دستور کار عمومی قرار نمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

کارزار توقف تونل بهشت‌آباد یکی از نمونه‌های جنبش‌های اجتماعی موفق محیط‌زیستی در حوزه آب در سال‌های اخیر است. بطوریکه با بر ساخت موفق ادعاسازان توانست حمایت و مشارکت وسیعی را چه در سطح مسئولان سیاسی و چه در سطح مردمی به خود جلب کند. در این کارزار بسیاری از ویژگی‌هایی که بر اساس رویکرد بر ساخت‌گرایی لازمه موفقیت جنبش‌های محیط‌زیستی است به چشم می‌خورد. از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد و کاریزماتیک رهبری جنبش، استفاده مناسب از انواع چارچوب‌ها و به کارگیری انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های عملی مناسب به منظور متقاعدسازی مردم محلی و سیاست‌گذاران برای انجام اقدامات مناسب جهت جلوگیری از فعالیت تونل.

از ویژگی مهم دیگر این جنبش توانایی بالای آن در استفاده از رسانه‌ها مخصوصاً رسانه‌های اجتماعی برای جلب مشارکت مردمی است. هرچند که این کارزار تاکنون نتوانسته به تمام خواسته‌های فعالان آن یعنی تخریب کامل تونل دست یابد اما عقب‌نشینی کارفرما و توقف احداث تونل را می‌توان در کنار توانایی جلب مشارکت بالای مخاطبان جنبش موفقیتی برای کارزار تونل بهشت‌آباد به‌عنوان جنبش محیط‌زیستی در حوزه آب در کشور دانست. بنابراین با توجه به تجربه کارزار تونل بهشت‌آباد می‌توان پیشنهادهای زیر را برای موفقیت جنبش‌های محیط‌زیستی پیشنهاد کرد:

- ۱- بهره‌گیری از ادعاسازانی که از منزلت اجتماعی بالایی در میان مردم برخوردارند. مخصوصاً وجود رهبرانی که از کاریزمای بالایی برخوردارند.
- ۲- استفاده از چارچوب‌هایی که با ارزش‌ها و فرهنگ اجتماع محلی متناسب باشد.
- ۳- استفاده از استراتژی‌هایی که به جلب حمایت و مشارکت سیاست‌گذاران و مردم محلی توأمان منجر شود. ریتیک^(۲۰۱۱) معتقد است که سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی به‌منظور تأثیر بر سیاست‌های محیط‌زیستی سه نقش عمده را می‌توانند ایفا

کنند که عبارت‌اند از ۱- نقش درونی یعنی به‌عنوان مشاور یا بخشی از گروه تصمیم‌گیری در کنار سیاستمداران حضور داشته باشند ۲- نقش نیمه بیرونی یا لابی‌گری از طریق نفوذ بر سیاست‌گذاران ۳- نقش بیرونی که با فشار بر سیاستمداران از طریق سازمان‌دهی تجمعات مردمی آنها را وادار به اتخاذ تصمیمات درست برای حفظ محیط‌زیست کنند. به عقیده ریتینگ (۲۰۱۱) معمولاً فعالان محیط‌زیست کمتر می‌توانند نقش درونی داشته باشند و بیشترین تأثیر آنها تا حدی از طریق لابی‌گری و بیشتر از طریق سازمان‌دهی تجمعات مردمی است. به عقیده ریتینگ برگزاری تجمعات مردمی زمانی که صلح‌آمیز باشد، پوشش رسانه‌ای وسیع داشته باشد، پیام و درخواست‌های جنبش واضح و ساده باشد و تعداد زیادی از مردم به‌طور مستمر در تجمعات حضور داشته باشند، تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیران حوزه محیط‌زیست خواهد داشت. به عقیده او تأثیر مثبت تجمعات مردمی از لابی‌گری هم بیشتر است.

از طرف دیگر کوان (۲۰۱۸) معتقد است که تأثیر لابی‌گری و هماهنگی با سیاستمداران از تجمعات خیابانی بیشتر است. او نشان می‌دهد که سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در چین زمانی که استراتژی خود را از تجمعات خیابانی به لابی‌گری و یافتن حامیانی درون نظام سیاسی تغییر دادند به موفقیت بیشتری دست یافتند. آنچه می‌تواند این تفاوت‌ها را تبیین کند زمینه‌های اجتماعی و سیاسی متفاوتی است که فعالان محیط‌زیست در آن فعالیت می‌کنند. ریتینگ با بررسی سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در کشورهای اروپایی و کوان با بررسی سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در چین به این نتایج دست یافتند. در واقع می‌توان گفت که در کشورهای دموکراتیک به‌این‌علت که پاسخگویی سیاستمداران در برابر مردم بیشتر است اعتراضات و تجمعات وسیع مردمی موجب می‌شود که پایگاه رأی سیاستمداران کاهش یابد. بنابراین می‌تواند اقدام مناسبی برای تحت‌فشار قرار دادن آنها برای جلوگیری از اتخاذ تصمیماتی در جهت تخریب محیط‌زیست باشد. اما در کشورهای اقتدارگرا مانند چین تجمعات مردمی موجب واکنش منفی از طرف دولت می‌شود. از طرف دیگر دولت چین به دنبال هماهنگی و یکپارچگی دولت و مردم است و از همکاری

با سازمان‌های مردم‌نهاد استقبال می‌کند. بنابراین بهترین استراتژی لابی‌گری و یافتن حامیانی از درون نظام سیاسی است.

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که بهترین استراتژی جنبش‌های محیط‌زیستی در ایران ترکیبی از لابی‌گری و تجمعات مردمی با ویژگی‌هایی است که ریتینگ متذکر شد. بطوریکه در جنبش تونل بهشت‌آباد شاهد بودیم که فعالان جنبش هم سعی در جلب حمایت سیاست‌گذاران و یافتن حامیانی درون نظام سیاسی داشتند مانند نمایندگان مجلس، ائمه جمعه، اعضا شوراهای شهر و روستا، سازمان حفاظت از محیط‌زیست و ... درعین حال تجمعات مردمی و فشار از پایین را هم با ویژگی‌های مدنظر ریتینگ به کار بردند یعنی تأکید بر صلح‌آمیز بودن جنبش (غیرسیاسی بودن و عدم مخالفت جنبش با نظام)، پوشش رسانه‌ای وسیع که همان‌طور که گفته شد جنبش از انواع رسانه‌ها مخصوصاً رسانه‌های اجتماعی حداکثر بهره را برد. همچنین تجمعات چند هزار نفری و گردآوری طومار و استمرار در کار هم وجود داشت. بطوریکه فعالیت‌های جنبش سال‌ها طول کشیده است.

۴- استفاده از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مناسب برای خنثی کردن ادعاهای مخالفان جنبش (ادعاهای رقیب). به عقیده لوزیک (۱۳۹۱) فرآیند برساخت مسائل اجتماعی نوعی بازی یا مسابقه است که در آن گروه‌های مختلفی برای پیروزی رقابت می‌کنند و گروهی برنده بازی است که بتواند ادعاهای رقیبان را خنثی کند و مردم را متقاعد کند که ادعای آنان صحیح است و ادعای طرف مقابل نادرست است. در مورد مسئله تونل بهشت‌آباد هم رقابت ادعا سازی از طرفی میان فعالان جنبش و در طرف دیگر وزارت نیرو و آب منطقه‌ای استان اصفهان وجود داشت و فعالان جنبش به منظور بی‌اعتبار سازی ادعاهای رقیب استدلال‌هایی را مطرح کردند.

۵- ایجاد شبکه‌هایی متشکل از تمامی سازمان‌های مردم‌نهاد درگیر در مسئله و سایر ذینفعان به منظور انسجام و هماهنگی فعالیت‌ها. یکی از اقدامات بسیار مهم به منظور موفقیت در ادعا سازی، شبکه‌سازی است. به این معنی که تمامی ذینفعان که شامل سازمان‌های

مردم‌نهاد، مقامات محلی و گروه‌های مردمی شود به‌طور منسجم، هماهنگ و سازمان‌دهی شده فعالیت کنند. هماهنگی و همکاری کلیه ذینفعان نقش بسیار مهمی در قدرتمند شدن جنبش‌های محیط‌زیستی می‌تواند داشته باشد.

۶- استفاده از رسانه‌های مختلف مخصوصاً رسانه‌های فضای مجازی به‌منظور رساندن پیام جنبش به مخاطبان گسترده‌تر. امروزه رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در موفقیت جنبش‌های اجتماعی ایفا می‌کنند مخصوصاً رسانه‌های فضای مجازی. بنابراین جنبش‌های محیط‌زیستی هم باید حداکثر استفاده را از امکانات فضای مجازی برای جلب مشارکت حداکثری مردم و رساندن صدای جنبش به افراد بیشتر بکنند.

منابع

- بری، جان. (۱۳۸۰)، محیط‌زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه: حسن پویان و نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط‌زیست، چاپ سوم.
- بحرینی، حسین و امینی، فرهاد. (۱۳۷۹)، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در دستیابی به مشارکت مردمی به منظور محافظت از محیط‌زیست ایران»، محیط‌شناسی، سال ۵، شماره ۲۰: ۲۶-۴۰.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین. (۱۳۹۲)، «مافیای آب کیستند»، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۱ از: <https://www.tabnak.ir/fa/news>
- رحیمی‌زاده، محمدرضا و بزرگ‌زاده، امید. (۱۳۹۷)، «بررسی اثرهای انتقال آب بین حوضه‌ای بر منابع آب ایران»، مجله پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۳، شماره ۱: ۲۷-۴۲.
- روفی، یوسف. (۱۳۹۴)، «طراحی ابعاد سیستم انتقال آب بین حوضه‌ای با لحاظ شاخص‌های تصمیم‌گیری در حوزه‌های مبدأ و مقصد»، فصلنامه تحقیقات منابع آب ایران، سال ۱۱، شماره ۱: ۵۲-۵۳.
- شکری، غلامعلی. (۱۳۸۷)، «ارزیابی جنبش سبز در ایران»، زریبار، سال ۱۲ شماره ۶۵ و ۶۶: ۲۰۵-۲۱۴.
- صالحی، صادق. (۱۳۹۶)، «تحلیل اجتماعی عدم موفقیت در مردمی‌کردن مسئله محیط‌زیست در ایران»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۵ شماره ۱: ۱۳۹-۱۶۲.
- شریعتی، احسان. (۱۳۹۶)، «چرا جنبش محیط‌زیستی در ایران پا نگرفت»، ایران آنلاین، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۵/۱۰ از www.ion.ir
- داس‌مه، محمد. (۱۳۹۹)، «پروژه انتقال آب بهشت‌آباد از آغاز تا پایان»، نشریه بلوط، سال دوم، شماره ۳: ۴-۱۰.
- فیلیک، اوه. (۱۳۹۴)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- کرسول، جان. (۱۳۹۴)، پوشش کیفی و طرح پژوهش، ترجمه: حسن دانایی‌فرد، تهران: نشر صفار، چاپ دوم.

بررسی و سازوکارهای بر ساخت مسائل محیط زیستی...، ضابطیان و موسوی | ۲۷۳

- قرمز چشمه، باقر؛ گودرزی، مسعود و مددی، اسماعیل. (۱۳۸۶)، «سدهای کوتاه خاکی جایگزینی مناسب سدهای بزرگ به منظور حفظ اکوسیستم حوزه‌های آبخیز»، انجمن آبخیزداری ایران، سال ۱، شماره ۴: ۱۱-۲
- لوزیک، دانیلین. (۱۳۹۱)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه: سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- مشونیس، جان. (۱۳۹۵)، مسائل اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نائی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، تهران: انتشارات جامعه شناسان، چاپ سوم.
- میرزاده، حمیدرضا. (۱۳۹۴)، «با یک ریاکاری محیط‌زیستی مواجهیم»، میدان، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۵ از: <https://meidaan.com>
- هانیگان، جان. (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ترجمه: موسی عنبری، انور محمدی و میلاد رستمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

- Buijs, Arjen. (2009). "Public support for river restoration: A mixed-method study into local residents' support for and framing of river management and ecological restoration in the Dutch floodplains". *Journal of Environmental Management*, 90 (2), 2680-2689.
- Benford, Robert. (1993). "You could be the hundred monkey: Collective Action Frames and Vocabularies of Motive With in the Nuclear Disarmament Movement". *Sociological Quarterly*, 34 (2), 195-216.
- Benford, Robert and Snow, David. (2000). "Framing processes and social movements: An Overview and Assessment". *Annu. Rev. Sociol.*, 26(3), 611-39.
- Burningham, Kate. (1998). "A noisy road or noisy resident? A demonstration of utility of social construction for analyzing environmental problems". *Sociological Review*, 108 (5), 536-563.
- Qiaonan, Runya. (2018). "Harmony at play environmental NGOS' policy advocacy in china". *Senter of Asian Studies*, 10(2), 65-83.

- Snow, David and Benford, Robert. (1998). "Ideology, frame, resonance and Participant Mobilization". Retrieved from <https://www.researchgate.net/publication>.
- Jakku, Emma and Rickson, Roy. (2009). "Constructing an environmental problem: Claims-making in the Brisbane River dredging dispute". *Australasian Journal of Environmental Management*, 16(1): 17-40.
- Jasper, James and Poulse, Jain. (1995). "Recruiting Strangers and Friends: Moral Shocks And Social Networks in Animal Rights and Anti-Nuclear Protests". *Social Problems*, 42(4): 493-512.
- Peloo, Davide. (1996). "Framing emerging environmental movement tactics: Mobilizing consensus, demobilizing conflict". *Sociological Forum*, 14(4), 659-683.
- Rietig, Katarina. (2011). "Public pressure versus lobbying – how do Environmental NGOs matter most in climate negotiations?". *Centre for Climate Change Economics and Policy Working Paper*, 79(6), 3-39.
- Ritzer, George. (2003). *Handbook of social problems*. London: Random House.